

بهار آفرین

قرن ها خزان

بسم الله الرحمن الرحیم

بهار آفرین قرن ها خزان (جامعه موعود مهدوی و طریق دستیابی)

نویسنده:

محمد مهدی مهزیار

ناشر چاپی:

موسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بهار آفرین قرن ها خزان (جامعه موعود مهدوی و طریق دستیابی)

مشخصات کتاب

سرشناسه:مهزیار، محمدمهدی

عنوان و نام پدیدآور:بهار آفرین قرنها خزان/محمدمهدی مهزیار.

مشخصات نشر :تهران: بنیاد ثبت، کتابخانه بزرگ اسلامی؛ قم: موسسه امام المهدی

مشخصات ظاهری : ۹۹ ص.

فروست:موسسه الامام المهدی؛ ۶.

شابک :۵۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی :فهرست نویسی توصیفی

یادداشت :کتابنامه: ص. ۸۹-۹۹.

شناسه افزوده :بنیاد ثبت. کتابخانه بزرگ اسلامی.

شناسه افزوده :مدرسه امام مهدی عج الله. موسسه امام مهدی. (قم).

شماره کتابشناسی ملی :۱۵۵۱۷۱۷

سلام

سلام بر یگانه حجت زمان سلام بر یگانه ساحل امام سلام بر بهار آفرین قرنها خزان سلام بر صلاح و دادآور جهان سلام بر آن که یاد او، شکوه بخش انقلابمان سلام بر آن که نائبش، حماسه آفرین روزگارمان سلام بر تو: واپسین لوا به آخرین زمان سلام بر تو: ای یگانه حجت زمان سلام بر...

[صفحه ۱۱]

سرآغاز

انقلاب شکوهمند ما ره به پایان برد، اما هنوز تا سر منزل مقصود ره بسیار است، که در اسلام هر جنبشی، اعم از اجتماعی یا عقیدتی، برای دستیابی به اصالت خویش می بایست در مرحله ذیل را پشت سر گذارد:

۱ – مرحله نفی

۲ – مرحله اثبات و به تعبیر قرآن لا و الا

در مرحله نخست می باید پلیدیها را زدود و موانع را از میان برداشت و در مرحله بعد سازندگی و پویایی را آغاز نمود. نهضت افتخار آفرین ما نیز بر این دو پایه استوار بوده است: آن طاغوت فرعون منش را به خاک افکندیم و بدنبال آن پی ریزی جامعه ای را بر اساس رفاه و عدل و آزادی و ایمان را آغاز نمودیم. اما مسئله مهم در اینجا آنست که هیچ ساخت اجتماعی از فرهنگ جامعه بر کنار نمی تواند باشد، و هر جامعه ای بر اساس اصول فکری و عقیدتی خود هست که بنیان وجود خویش را استوار می سازد. اما نکته دیگر آن که از ارکان هر جهان بینی مساله هدفداری

[صفحه ۱۲]

و جهت گیری حرکت انسان و جهان است. نتیجه آن که هر اجتماعی که در راه سازندگی گام می نهد، باید بداند که این تلاشهای وی

در چه سویی بوده و این پویش هـایش در جهت ایجـاد چه جـامعه ای می باشـد. اما در مورد مرز و بوم خود نیز می گوئیم که این جنبش سترگ مـا، پس از طی مرحله نفی و درهم شکسـتن طاغوت زمان، طریق اثبات آغاز نمود و سازنـدگی اجتماعی را در پیش گرفته است. اما از آنجا که این ساخت اجتماعی بر پایه فرهنگ اسـلام و تشیع اسـتوار است، بایـد بـدانیم که سـیر این کاروان در جهت چه مقصود ماوایی می باشـد؟ و کـدامین جامعه موعود - با چه ویژگیهایی - است که وی خواهان رسـید بان است؟ اینجـاست که آن اصـل اسـلامی - شـیعی مطرح می شود و آن اعتقـاد به نیکفر جـامی جهان و سـیر کاروان بشـریت در جهت تشـکیل حکومتی واحـد در سراسـر گیتی و بر اساس عدل و ایمان، به رهبری پیشوایی معصوم، می باشد. از این روسـت که ما اسـلام آوران، بنا به این اعتقاد اصیل خویش، بر آنیم که سیر تکاملی تاریخ بشر سرانجام روزی به آن عصر موعود - که مورد آرزوی تمـامی خلق هـای جهـان است - دست خواهـد یـافت. بـدیهی است که به این ترتیب رونـد جامعه خود را هم در جهت دستیابی به آن حکومت عـدل گستر جهانی می دانیم و بس. و در این هنگام است که رسالت عظیم ما که تداوم انقلاب تا قیام جهانی امام مهدی (ع) و سیر جامعه خود بسوی آن است، آشکار می شود.

[صفحه ۱۳]

و این رسالت از آنجا بنیان می گیرد که ما بشر را تاریخ آفرین می دانیم و نه بر عکس، که وی را اسیر

و ذلیل آن دانسته و کمتر مسئولیتی برای وی قائل نشویم. که این انسان است که با فراهم آوردن زمینه - های لازم به دستاورد خود رسیده و به آرزوی خویش جامعه عمل می - پوشاند. وقوع قیام قائم منتظر هم از همان اصل فوق - تاریخ آفرینی و زمینه - سازی - سرچشمه می گیرد و این چنین نیست که آن انقلاب، بدون هیچ گونه زمینه و مقدمات قبلی، ناگهان در جهان ظاهر شود. بلکه این نهضت حق گستر نیز همانند دیگر انقلابها - و بطور کلی پدیده - های - جهان نیازمند وجود یک سری شرائط و زمینه سازی قبلی است و بدون این مقدمات هیچ گاه رخ نمی نماید. البته نمی گوئیم محال است، بلکه معتقدیم از آنجا که نظام علیت بر جهان و تاریخ حکم فرما است، قاعد تا باید قیام حضرتش بدین - ترتیب صورت گیرد. اما دست الهی را هم بسته ندانسته و او را قادری متعال می دانیم که بر هر کاری توانا بوده و هیچ بعید نیست که - همانند تولد حضرت عیسی (ع) و سرد شدن آتش به حضرت ابراهیم (ع) - بدون وقوع شرائط مورد نیاز حضرتش را آشکار نموده و به او اذن قیام دهد. اما بر طبق حدیث: ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها - خداوند ابا دارد که کارها را جز از راه اسباب طبیعی به پایان برد - وظیفه مان آن است که با توجه به نظام حاکم بر جهان حرکت نمائیم. بنابر این مشخص است که، آن مقدمات را ما هستیم که باید با

[صفحه ۱۴]

توجه به سنتهای

حاکم بر جهان و تاریخ بوجود آوریم.

در این نوشته که با عنایت به این مساله هدفداری و جهت گیری اجتماع در سیر تکاملی خود، نگاشته شده است، سعی بر آن رفته است که گام هایی در جهت آشنایی هر چه بیشتر با آن جامعه موعود و طریق دستیابی بدان برداشته شود. اما از آنجا که شناخت آن یگانه مدینه فاضله تاریخ بشر، بدون توجه به مقام رهبری آن غیر ممکن بوده و این پیشوائی آن نهضت است که انقلاب جهان شمول خود را به پیروزی می رساند، هم ما در این نوشته بر آن قرار گرفته است که آگاهی ژرف تری نسبت به مسائل درباره حضرت مهدی (ع) ارائه داده و به این ترتیب با شناخت هر چه فزونتر آن امام عصر و قائم منتظر، با گام هائی استوارتر در جهت تحقق قیام حضرتش کوشا بوده و در این زمینه به کوشش ها و تلاشگری ها دست یابیم.

[صفحه ۱۷]

یادآوری

در این قسمت سعی ما بر آن خواهد بود که دلائل الزام تجدید نظر جامعه خود را نسبت به مساله امامت حضرت حجت علیه السلام مورد بررسی قرار دهیم، که آن عوامل مجموعا ما را ناگزیر از توجه هر چه بیشتر به فرهنگ امام [۱] می سازد. این براهین را می توان در ابعاد ذیل خلاصه نمود:

پاورقی

[۱] اصطلاح فرهنگ امام را ما در این نوشته در یک مفهوم کلی مجموعه مسائل حول مهدویت بکار برده ایم.

خلل پذیری

می دانیم که شرط تحرک و پیشروی هر جامعه داشتن فرهنگی سالم و غنی و پویا می باشد. با این عنایت است که فرهنگ جوشان و خروشان تشیع نیز تا زمانی که خالی از هر گونه عامل خارجی باشد می - تواند نقشی عظیم در ساخت اجتماع داشته باشد (چنانکه قرون طلایی صدر اسلام شاهد این مدعا هستند) ولی همین که غل و غشی در آن راه یافت آن اصالت اولیه خود را از دست می دهد. بعنوان مثال نمونه ای از این فرهنگ مسخ شده را در زمان صفویه می بینم که با نفوذ عامل خارجی تصوف در فرهنگ شیعه مردم بجای مبارزه و جلوگیری از هر گونه نابسامانی و زور و ستم، تنها به خواندن ادعیه و اذکار اکتفا نموده بودند و حتی این انحراف بجائی

[صفحه ۱۸]

رسیده بود که چون محمود افغان به اصفهان حمله برد، شیعیان به جای آن که بپاخاسته و با دشمنی در آویزند برای دفع شر او در گوشه ای نشسته و به دعا خوانی و ورد گوئی مشغول شدند.[۱] از این روست که رهروان راه ولایت باید پیوسته

حریم فرهنگ خود را پاسدار باشند که ائمه بزرگوار ما - که درود خدا بر همگانشان باد - نیز بارها بر این هوشیاری تاکید نموده اند. هشدار بر آن که شیعه مبانی عقیدتی و عبادی و مسیر حیاتش را از دیگر مکاتب اخذ نکند و آنها را تنها از طریق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اخذ نماید و بس. تا آنکه مباد که آبهای هرزه و آلوده با این نهر زلال در آمیزند و موجها را به مرداب بدل سازند که از آن جمله این فرمایش مولای متقیان است: من رکب غیر سفینتنا غرق - [۲] هر آن که بر سفینه ما گام ننهاد امواج پهنه دریا، حیات درونی و معنوی اش را با تاراج می برند. حال با توجه به این مقدمه باید یادآور شد که اگر ما می خواهیم اصالت فرهنگی شیعی را از دست ندهیم، باید چنگ بدامان امام عصر (ع) زنیم، زیرا امام را - در شکل پویایش - از جامعه خارج - کرد به معنای حذف رهبری دینی شیعه، [۳] و در پی آن تزلزل

[صفحه ۱۹]

بنیان های علمی و عملی و معنوی است. اما می دانیم جامعه خلا پذیر نمی باشد و همچون انسان گرسنه در صدد کسب مواد غذایی است - حال گو آنچه بدست می آورد، ظاهری آراسته و باطنی مسموم داشته باشد - که اگر چنین باشد فرهنگها و مکاتب بیگانه با خالی شدن سنگرها یورش آغاز می کنند و موریانه وار به پوساندن و بی محتوا کردن بنیادها و اصالت ها می پردازند. بنابر این شاهدیم که جدایی از امام چه نتائج

زیان باری متوجه عقاید فرد و جامعه می سازد و بر ماست که برای ادامه نهضتهای اصیل شیعی، و بمنظور حفظ و حراست این یگانه فرهنگ دست - نخورده و تحریف نیافته، پشتوانه آن، ولی زمان مهدی (ع)، را از یاد نبریم و با زنده نگهداشتن یاد او در احیاء و ابقاء حیات فرهنگی و اجتماعی خویش بکوشیم.

پاورقی

[۱] البته اینجا بر اصالت دعا (که طلب امداد و فزونی از خداست) خدشه ای وارد نیست، که هان دین سفارش کننده دعا فریاد بر - می آورد: لیس للانسان الا ـ ما سعی آیه ۲۹ سوره نجم - برای انسان (عملی سودمند) نیست مگر آنچه (در اکتسابش) تلاش نماید.

[۲] شرح فارسی بر غرر و درر آمدی چاپ دانشگاه تهران جلد ۵ ص ۱۸۴ حدیث شماره ۷۸۹۴.

[۳] به مفهوم اخذ معارف عقیدتی و عبادی و خط مشی زندگی از لحاظ مشروع بودن - از امام.

جهت گیری

هر گونه نهضت و جنبش اجتماعی یا فرهنگی که تحقق می یابد با توجه هدفی معین و جهان بینی ای خالص دنبال می شود. در این میان رسالت جامعه شیعه نیز در زمان غیبت جهت گیری ویژه خود را دارد که آن تلاش در زمینه آماده کردن زمینه قیام قائم موعود است. و نتیجتا تمام حرکتها و نهضت هایش متاثر از این غایت می باشد. زیرا می داند که نبود او از - ماست [۱] و خود حضرتش هم فرموده است که اگر نبود بعضی رفتار ناهنجار شیعه به سعادت ملاقات ما نائل می شدند.[۲] با توجه به این اعتقادات است که وی می کوشد موانع قیام مهدی -

[صفحه

موعود را از جامعه بزداید تا حضرتش به اذن خدای زمان جهان به کف گیرد و حکومت عدل و ایمان را بر پهنه گیتی بگستراند. بنابر این او هر چند که در پیگیری نهضتهای فرهنگی و اجتماعی - که در راه اهداف توحیدی باشد - از پا نمی نشیند و حتی به تشکیل دولت هایی اسلامی نیز موفق می گردد ولی این را هم فراموش نمی کند که کل این حرکتها تنها در جهت تقریب قیام امام منتظر (عج) و برداشتن عوامل بازدارنده این ظهور مطرح هستند، که اگر جز این باشد اصالت اسلامی نهضت مورد تردید می باشد. زیرا او نیک می داند که دولت واقعی شیعه در زمان کان یگانه رهبر است که جلوه گر می شود: (لکل اناس دوله یرقبونها - و دولتنا فی آخر الدهر یظهر [۳] هر گروهی را دولتی است که در انتظار آنند و دولت ما در واپسین زمان ظهور می نماید. بنابر این برای تعجیل ظهور حضرت بقیه الله (ع) وظیفه ما آنست که در تهیه مقدمات آن بکوشیم. که این مقدمات از دو جنبه قابل حصول است: ریشه کن ساختن عوامل بازدارنده قیام و تقویت عوامل تسریع کننده آن. اما این اقدامات احتیاج به آگاهی هایی دارند که تنها با عنایت به فرهنگ امام قابل حصول بوده و ما را یارای جنبش می دهند، و این میسر نخواهد شد مگر با کسب آگاهیهای لازم که آن تنها با مراجعه به فرهنگ امام است که بدست می آید.

پاورقی

[۱] وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا، گفتار خواجه نصیر طوسی، در کتاب

تجرید الاعتقادات که در اینجا از شرح قوشچی بر آن ص ۳۷۶ ترجمه شده است.

[۲] و لو ان اشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من - القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا... در توقیع حضرت مهدی (ع) خطاب به شیخ مفید، بحارالانوار، تالیف علامه مجلسی ص ۱۷۶ ج ۵۳.

[۳] منتسب به امام صادق (ع) - منتخب الاثر، تالیف صافی گلپایگانی، ص ۱۶۹ حدیث ۱۸۴.

امید

در صحنه های تاریخ بشر پیوسته صحنه هائی بوجود آمده است که آن چنان فساد و تباهی و ظلم حلقوم ملتی را فشار داده که مصلحان اجتماع - از طرق عادی - روزنه امید را مسدود دیده و آن تموجشان به انجماد بدل شده و حرکت اجتماعی آنها رو به سکون و رکود رفته و پس از زمانی هیچ گونه تحرکی در جامعه آنان بچشم نمی خورد. حال باید دید در این تنگناها که امکانات در برابر نیروهای مقابل بس اندک است چه چیزی تواند از این نشست صخره سان، چشمه تلاش و تکاپو بجوشاند، و در جهت گیری ما طرحی نو در اندازد. جز امید به امدادی الهی که از قبل بشارتش را داده باشند؟ که: در مبارزه بین حق و باطل باید پیکار را ادامه داد. اگر پیروز شدید زهی سعادت و اگر باطل در صدد غلبه بر آمده و شما نیز تا آخرین نفس پایداری کردید، اما دشمن پس از درهم شکستن تمام نیروهاتان، در گرماگرم چیره شدن بر آخرین سنگر بود، امدادگری الهی به یاریتان شتافته و آن خصم نابکار را منهزم خواهد ساخت، و علاوه بر آن نابسامانی هایتان

را نیز همـه به سامـان خواهـد آورد. از این روست که می بینیم در فرهنـگ اسـلام - که بـویژه تشیع نمـود راسـتین آن است - همواره این روح امیـد در کالبد مسـلمانان دمیده شده که هیچ زمان - در پیکار نور و ظلمت - امید ظهور حضـرت حجت علیه السـلام را از یاد مبرید و اگر سـتم و جور بر شما تسلط یافت و هیچ گونه یار و یاوری هم به فریادتان نرسید مهراسید و خوار و زبون نشوید که قوایی نیرومند از جانب خدای در راه است و بسا که آن

[صفحه ۲۲]

نیرو هم اکنون در رسـد و شـما را از چنگال زورگویان و سـتمگران نجات دهـد. پس از پا نایستیـد و به پیکار ادامه دهیـد تا به هـدف نائل شویـد. به این ترتیب است که مشـخص می شود توجه به ظهور مصـلح کل حضـرت مهـدی (ع) تا چه انـدازه ما را یارای بر انداختن پلیدیها می دهد.

زمان آگاهی

از شرائط گسترش و پیشرفت نهضت ها و تحرک ها یکی هم آشنا بودن با ابعاد زمانی معاصر آن است چنانچه حضرت صادق (ع) نیز در این باره فرموده اند: دانای بزمان خویش به اشـتباه کاری نیفتاده و اشکالات به او روی آور نمی شوند.[۱] تحرکهای زمان غیبت هم از این اصل مستثنی نیست و برای به ثمر رساندن آنها ناچار از آشنائی با سیر کلی جریانات عصر غیاب امام (ع) هستیم، زیرا وقـایع زمان پنهانی حضـرت مهـدی (ع) عموما بر یک روال بوده و از یک چهارچوب کلی پیروی می کنـد و تنها در این میان ظاهرشان تغییر می یابد. (تفصیل این بحث

در بخش غیبت خواهـد آمـد). تعیین آن اصـول و خـط مشـی مربوط به بررسـی مسائـل حول غیبت بوده که خود شـاخه ای از فرهنـگ اسـلام می باشـد. که بـا توجه به این معرفت، الزامی دیگر در جهت ضـرورت مطرح گردیـدن فرهنـگ امام در جامعه احساس می گردد، که عدم اقدام به آن باعث هدر رفتن

[صفحه ۲۳]

نیروهایمان گردد.

پاورقی

[۱] العالم بزمانه لا تجهم علیه اللوابس - حضـرت صادق (ع)، اصول کافی تالیف شیخ کلینی (ره) جلد یک صفحه ۵۰ حدیث ۲۹، (ترجمه شیخ محمد باقر کمره ای).

گمراهی

همواره در حیات جمعی انسانها سودا گرانی پیـدا شـده انـد که از یک اصل مورد قبول اجتماع بهره برداری سوء کرده و نمونه های منحرف و نادرست آن را به خورد جامعه داده اند. متاسـفانه جوامع اسـلامی نیز از این خیانت - خواه بدست عمال داخلی یـا ایـادی خارجی یا با ائتلاف هر دو - در امان نمانـده است. و از این قبیل مسائل است، مساله مهـدویت در اسـلام که تا کنون دههـا نامزد و داوطلب داشـته است، که در هر زمان عـده ای ساده لوح و نادان را فریفته و رابطه آنها را با دین حق گسسـته اند که البته وجود بعضـی ایجاب های زمانی در رواج بازار آن مهدی - نمایان بی اثر نبوده است. و اینها همه ناشی از جهل جامعه نسبت به شناسائی حضرت بقیه الله (عج) می باشد. بنابر این برای رهائی از دام این شیادان چاره ای نیست مگر اینکه با فرهنگ امام آشنا شد، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

صفای روح

همان گونه که زنـدگی اجتماعی شـیعه بـدون مطرح بودن امام مفهوم ندارد، حیات معنوی او هم بدون عنایت به امام عصـرش میسر نیست، زیرا اگر قلب ما به قلب حجت خدا - آن طپش گاه کائنات - مرتبط

[صفحه ۲۴]

نباشـد، پس از مـدتی کلیه اعمـال مـان خـالی از روح و عمق گردیـده و تنها صورتی ظاهر از آن باقی می مانـد و می دانیم که چنین نمودهائی نه دوامی دارد و نه اسـتقامتی می تواند در برابر مشـکلات به ما ارزانی دارد. با این عنایت است که لزوم مطرح بودن آن هدایت

گر زمان هم در دل اجتماع تشیع و هم در قلب فرد فرد شیعیان کاملا احساس می گردد.

در مجموع با توجه به این الزام ها و نیازهاست که خود را ناچار از آشنائی با فرهنگ امام و گسترش آن در جامعه، می بینیم، و تنها در این صورت است که توان آن می یابیم تا به اهداف فردی و اجتماعی و معنوی خود، دست یابیم.

[صفحه ۲۷]

دیدگاه

قائمیت یا مهدویت اعتقادی است حاوی چشمداشت قیام یک مصلح نیرومند و گرانقدر الهی که با قیام شکوهمند و پیروز خود بنا – برابری ها و بیدادگریها و نابسامانیهای مادی و معنوی جامعه انسانی پایان می بخشد و سراسر زمین را زیر پرچم حکومت عدالت جهانی آورده و رفاه و آسایش را به همگان ارزانی دارد.[۱] این عقیده را در آراء بسیاری از ملل و ادیان و مکاتب یافت می شود، که در اینجا مجال بررسی آنها نیست و خواستاران را به کتب مربوطه ارجاع [۲] می دهیم.

[صفحه ۳۱۰]

پاورقی

[۱] برای مشاهده این مدعیان به کتاب مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری تالیف دارمستتر ترجمه محسن جهانسوز، مراجعه شود.

[۲] مانند کتاب بشارات عهدین نوشته دکتر محمد صادقی و لمعات النور فی بشارات الظهور تالیف جلال المحدثین - شیرازی و غیره.

ریشه یابی

برای اثبات اصالت یک مطلب در یک ایدئولوژی، از دو طریق می توانیم بر آن محک تجربه زنیم: اول اینکه سراغ آن را در فرهنگ آن مکتب بگیریم و ثانیا آن که در جامعه مومن به آن آئین در جستجوی ریشه یابی اش بر آئیم. برای پیجویی اصالت اسلامی مساله قائمیت هم ما از همان دو رویه فوق استفاده می نمائیم، به این مفهوم که از دو طریق: بررسی در فرهنگ اسلام (قرآن و حدیث و اجماع) و عقیده مندی فرق اسلامی، به پژوهش درباره این موضوع می پردازیم.

قرآن

یکی از بحثهای گسترده قرآن، موضوع دعوت انبیاء می باشد که در هر جای کتاب خدا بنگریم، بازتاب این دعوتها را چیزی جز بی اعتنایی و تمسخر و آزار نمی بینیم.[۱] و چه بسا اقوالی را قرآن یادآور است که بواسطه همین سرکشیها و طغیان و عدم قبول دعوت حق، مستحق عذاب قهر می گشتند. بنابر این قرآن روشنگر این است که دعوت انبیای قبل در مجموع با بی اعتنایی و تحریف و در بسیاری موارد با شکست مواجه بوده است.

تا اینکه می رسیم به آخرین آن ادیان که شریعت خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) می باشد. در مورد اسلام هم باید گفت که اگر چه گسترش آن بعد از هجرت چشمگیر بوده و در زمان وفات رسول خدا (ص) اسلام از شبه جزیره عربستان نیز فراتر رفته بود، اما افسوس که در همین اوان درگذشت نبی مکرم است که حباب های دروغین ایمان درهم می شکنند [۲] و دمل های چرکین جاهلیت، که اسلام سعی کرده بر آنها مرهم نهد، چهره

کریه خود را آشکار می کنند. که این انحراف هر چه از فوت پیامبر (ص) دورتر می شویم، سرعت بیشتری می یابد... و این آینده نگری قرآن بود که از قبل تصریحا یا تلویحا اعلام خطر کرده بود: قالت الاعراب آمنا قل لم تومنوا و لکن قولوا اسلمنا و لما یدخل الایمان فی قلوبکم [۳] اعراب گفتند که ایمان آوردیم بگو به ایمان نگرائیده اید، لیکن (بجای ادعای ایمان) بگوئید اسلام آوردیم و هنوز در قلبهایتان ایمان جای نگرفته است.[۴] ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسول افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم [۵] : محمد (ص): نیست مگر پیامبری که قبل از او هم رسولانی بوده اند (او هم مانند آنها در می گذرد) پس آیا اگر درگذشت کشته شد به همان طریق قبل خود (جاهلیت) باز می گردید؟... و رسول خدا (ص) که: بدرستی اسلام حیات خود را با غربت آغاز نمود و زود است که به غریبی نخستین خویش بازگردد.[۶] .

[صفحه ۳۳]

اما شاهد بودیم که جامعه صدر اسلام علیرغم این هشدارها، آگاهانه یا جاهلانه - خود را تسلیم دسیسه ها و زد و بندهایی نمود که در همان دهه های نخستین ثمره تلخ آن سخت جانش را فشرد [۷] و در قرون بعد نیز پدید آمدن انشعابات و فرق و مذاهب گوناگون بیش از پیش پیکرش را در هم شکست.

و دراین میان جباران بنی امیه و بنی عباس با گسترش فرعون منشی خود در تمام نقاط جوامع اسلامی در تحریف هرچه بیشتر اصالت های اسلامی کوشیدند.

و آیا به این ترتیب سرانجام اسلام نشد که: «...

زود است که غریبی نخستینش را بازیابد؟»

بنابراین شاهدیم که این آخرین دین حق هم را نگذاشتند نقش کاملا مؤثری در پیشرفت و تعالی جامعه ی بشری ایفا نماید.

اما باید دید که این طغیان و خودسری بشر در برابر این مذاهب الهی آیا تا ابد الدهر ادامه می یابد یا اینکه مدت و سر آمدی برای آن مقرر شده است؟

در اینجاست که سنت خلل ناپذیر خدای بر این تعلق می گیرد که زمانی این انسان سرکش سر خضوع در برابر دین حق فرود آورد و اسلام بر سراسر جهان سیطره افکند. آن هم نه تنها بر زبانها بلکه در قلبها و نهادها:

«کتب الله لاغلبن انا و رسلی» [۸] خداوند چنین مقرر نموده که یقینا من و پیامبرانم (بر جهان) چیره خواهم شد.»

[صفحه ۳۴]

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولوکره المشرکون [۹] اوست که رسولش را با هدایت و دین حق (به سوی مردم) فرستاد تا آن را بر تمامی ادیان چیرگی بخشد هرچند که (این اراده ی الهی) خوشایند مشرکان نباشد.

که پیروزی رسالت، پیروزی هدف رسالت - که پا بر جائی عدالت بر زمین است - می باشد.

حال اگر ما به این فرجام کار جهان که برقراری عدل و اصلاح جامعه ی انسانی است، اذعان آوریم، ناچار از اعتراف به وجود عدل گستر و مصلحی الهی خواهیم بود که تحقق بخشنده ی هدف انبیاء می باشد. و این نهایت، همان است که تحت عنوان قیام قائم موعود بیان می شود.

پاورقی

[۱] به عنوان نمونه سوره شعراء و سوره نوح مشاهده شود.

[۲]

البته اینجا شاید شکستن رسا نباشد ولی لغتی مفهوم تر به ذهن نگارنده خطور نیافت.

[۳] سوره حجرات (۴۹) آیه ۱۴.

[۴] برای دریافت تفاوت بین ایمان و اسلام به کتاب الکفر – و الایمان اصول کافی بابهای ۱۴ تا ۱۶ مراجعه شود.

[۵] آیه ۱۴۴ سوره آل عمران ۳.

[۶] ان الاسلام بدا غریبا و سیعود کما بدا فطوبی للغرباء نهج الفصاحه ص ۱۲۲ حدیث ۶۱۱.

[۷] مانند حکومت عثمان.

[۸] سوره مجادله (۵۸) آیه ۲۱.

[۹] آیه ۹ سوره صف (۶۱)، این آیه در سوره توبه (۹) آیه ۳۳ و نیز در سوره فتح (۴۸) آیه ۲۸ و با تعویض کفی بالله شهیدا بجای و لو کره المشرکون تکرار شده است.

کتب حدیث و کلام

موضوع مهدویت و ظهور عدل گستری در آخر الزمان، از موضوعات پر دامنه ی احادیث اسلامی می باشد. و شاید در کمتر موردی این چنین بین عامه و خاصه، روایت داشته باشیم. چنانچه گاهی اخبار یکی از مشخصات مهدی موعود متجاوز از صدها نمونه می گردد. چند نمونه ی ذیل شاهد این مدعایند:

مهدی از خاندان و ذریه ی پیغمبر (ص) است: ۳۸۹ حدیث مهدی (ع) از فرزندان امیرالمؤمنین است: ۲۱۴ حدیث

مهدی (ع) نهمین فرزند امام حسین است: ۱۴۸ حدیث

مهدی (ع) دوازدهمین و آخرین ائمه است: ۱۳۶ حدیث [۱] .

[صفحه ۳۵]

این گستردگی که روشنگر مقبولیت این عقیده در فرهنگ اسلام می باشد، کتب حدیثی و کلامی گوناگونی را – از قرون نخستین اسلام تاکنون – در میان مذاهب و فرق مختلف اسلامی، به خود اختصاص داده است.

در این میان فرهنگ شیعه که پیشتاز این راه بوده،

از همـان قرون صـدر اسـلام نگـارش در این زمینه را شـروع نموده است، که از کهن ترین منـابع مـا در این زمینه کتاب «غیبت فضل بن شاذان» [۲] - از خواص حضـرت رضا (ع) - (متوفی به سال ۲۶۰ ه) می باشد که با توجه به تولد حضـرت حجت (ع) در سال ۲۵۵ هجری ارزش این کتاب معلوم می گردد.

و بعضی از محققین تاکنون متجاوز از ۳۵۰ کتاب و رساله از قرن چهارم تا چهاردهم در این مورد به دست آورده انـد، که اگر این مقدار را بر کتبی که هنز در دسترس آن پژوهشگران قرار نگرفته است اضافه شود، بیش از ۵۰۰ مجلد خواهد گردید.[۳] .

در مورد کتب علمای اهل سـنت نیز به تقریب می توان گفت که در کلیه ی مجامع احادیثی معتبر آنها از قائم منتظر سخن رفته است، چنـانچه یکی از اسـتادان دانشـگاه الازهر مصـر و شارح معروف صـحاح سـته [۴] معـترف است که: احـادیث مهـدی را گروهی از برگزیـدگان صـحابه ی رسول خـدا (ص) روایت کرده انـد و بزرگان محـدثان ماماننـد ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، امام احمد حنبل و حاکم نیشابوری - رضی الله عنهم اجمعین - در کتاب خود آورده اند.[۵] .

[صفحه ۳۶]

مجموعه ی این تألیفات بیش از صد مورد می باشد، و این علاوه بر کتب مسـتقلی است که مشاهیر تسـنن در این زمینه به رشته ی نگارش درآورده اند که مقدارشان بالغ بر ۳۰ مجلد می شود.[۶] .

بنـابراین ملاحظه نمودیم که بـا توجه به فراز فوق موضوع نهضت قـائم موعود مسـاله ای است بس عمیق در متون اسـلامی که بزرگان

فرق اسلامی جوانب آن را در آثار روانی و کلامی خویش آورده اند.

پاورقی

[۱] در این مورد به کتاب منتخب الاثر - تالیف آقای صافی گلپایگانی - که احادیث مربوط به حضرت مهدی (ع) را در باب هایی متعدد. احصاء نموده و برشته نگارش در آورده است، و نیز کتاب نوید امن و امان از همان نویسنده مراجعه شود.

[۲] الذریعه، تالیف حاج آقا بزرگ طهرانی، ذیل عنوان غیبت.

[۳] این مجموعه توسط صندوق پستی ۲۲۲۳ طهران بنام کتابنامه اما مهدی در دو سال متوالی ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ هجری قمری (نشر دوم با تغییرات و اضافات) انتشار یافته است.

[۴] شش کتاب اولیه و معتبر حدیثی اهل سنت.

[۵] کتاب التاج جلد ۵، باب ۷، تالیف شیخ منصور علی ناصف، استاد دانشگاه الازهر مصر.

[۶] کتاب الامام مهدی تالیف: استاد علی محمد علی دخیل از محققان تسنن، به نقل از آخرین تحول نشریه هیئت قائمه تهران چاپ سال ۱۳۹۷ هجری، ص ۱۵۹.

شیعه

گرچه قبول داشت شیعه نسبت به قائم موعود مساله ای است آشکار و بی نیاز از اثبات، لیکن برای روشنگری هرچه بیشتر، در ذیل عنایت عمیق پیشوایان و دانشمندان تشیع را یادآور می شویم:

امامان شیعه تمام در مورد حضرت مهدی (ع) به تفصیل سخن رانده و ابعاد آن را مشخص ساخته اند.[۱] در اینجا به ذکر نمونه ای از عنایت خاص آنها به این مساله اکتفا می شود:

حضرت صادق (ع) فرمودند: از دین ائمه، پرهیزکاری و پاکدامنی و... و با شکیبایی در انتظار گشایش امور به دست قائم بودن است.[۲] .

و به همین گونه علمای امامیه هم - به

پیروی از رهبران خود – به این مساله اعتقادی غیر قابل انکار داشته و در کتب فراوان خود در این باره جوانب آن را کاملا مبرهن ساخته اند که برخی از آن صاحب نظران عبارتند از:

[صفحه ۳۷]

– ثقه الاسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹)

مؤلف کتاب کافی، شامل اصول و فروع و روضه در اصول کافی، در کتاب الحجه ی آن باب هایی را به قائم موعود اختصاص داده است.

– ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱) صاحب کتاب کمال الدین که کلیه ی مطالب آن مربوط به مهدی منتظر است.

– ابوعبدالله محمد بن محمد بن النعمان ملقب به شیخ مفید (م ۴۱۳) که سه کتاب: «الفصول العشره فی الغیبه» و «خمس رسائل فی اثبات الحجه» و «مسائل فی غیبه الامام» از مصنفات اوست.

– علم الهدی سید مرتضی (م ۴۳۶) صاحب «مسئله و جیزه فی الغیبه» و «کتاب المقنع فی الغیبه»

– شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن الحسن مشهور به شیخ طوسی (م ۳۶۴) نویسنده ی «کتاب الغیبه»

– ملا محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱) گردآورنده ی مجلد ۱۳ بحارالانوار.[۳] .

پاورقی

[۱] برای ملاحظه فرمایشات سیزده معصوم علیهم السلام در مورد حضرت بقیه الله (ع) به کتاب کمال الدین تالیف شیخ صدوق (م ۳۸۱) و نیز مجلد ۱۳ بحار الانوار، چاپ کمپانی (ج ۵۱ ، ۵۲ و ۵۳ چاپ جدید) مراجعه نمائید.

[۲] قال ابو عبد الله (ع): من دین الائمه، الورع و – العفاف الی قوله و انتظار الفرج بالصبر. منتخب الاثر ص ۴۹۸، حدیث ۱۰.

[۳] چاپ جدید

آن در ۳ جلد به شماره ی ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ می باشد.

اهل تسنن

علمای عامه نیز موضوع قیام دادگرانه ی قائم را پـذیرا شـده و بزرگان از متأخرین و متقـدمین آنها بر این موضوع اذعان داشـته اند:

- حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی، ابن حجر هیثمی از علمای قرن هفتم: «از او (امام حسن (ع)» یک فرزند باقی ماند

[صفحه ۳۸]

و او امام منتظر صلوات الله علیه است.[۱] .

- ابن خلدون از مشاهیر سده ی هفتم: «بدان مشـهور بین همگی اهل اسلام در طول زمانها این بوده است که مردی از اهل بیت رسول خـدا (ص) که دین را نصـرت بخشـد و عـدل را ظـاهر گردانـد ظهور می فرمایـد: مسـلمانان پیرویش کننـد و بر ممالک اسلامی چیره شود و نامش مهدی است.[۲] .

- شـیخ علی ناصف از علمای معاصر: «مهدی منتظر از این امت است - تا آنجا که می گوید - و بر این عقیده اند اهل سنت از متقدمین و متاخرین.[۳] .

پاورقی

[۱] منتخب الاثر پاورقی ۶ ص ۳۲۴.

[۲] مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷ – به نقل از نوید امن و امان ص ۱۰۰.

[۳] المهـدی المنتظر من هـذه الامه الی ان قال - و علی هـذا اهل السـنه سـلفا و خلفا غایه المامول جلد ۵ ص ۳۸۱ – به نقـل از کتاب فوق الذکر ص ۱۰۱.

عقیده مندی مسلمین

هنگامی که درصـدد بررسـی جامعه ی مقارن قرن دوم و سوم برآئیم و برخی جریانات این عصـر را به تجزیه تحلیل در آوریم، به این دیـدگاه دست می یـابیم که چگونه اعتقـاد به ظهور و قیـام مهـدی پیروزمنـد عـدالت گستر به گونه ای شـگفت در نهاد جامعه مستقر بوده است. آنگونه که پیدایش

دو گروه منسوبین (در قرون صدر اسلام) و مدعیان مهدویت منوط به همین عقیده مندی است.

دسته ی اول مردمی خوش نام و نامور بودند که سر ستیز با حکام زمانه داشتند، اما خود صاحب داعیه ای نبودند، و از آنجا که آن دو خصوصیت جزء ویژگیهای مهدی موعود است - و مردم هم از ایشان تنها همان دو را در خاطر داشتند - انتساب آنها به مهدویت صورت گرفت.

اما گروه دوم مردمانی نابکار و ریاست خواه و فرصت طلب بودند

[صفحه ۳۹]

که خود را قائم منتظر خوانده و وعده ی نجات بخشی انسانها از چنگال ظالمان داده و مردم جاهل و ساده لوح هم که از قائم تنها اصلاح طلبی و عدل گستری وی را شنیده بودند - در تنگنای روزگار این ندای ظاهر فریب را سروش مهدی پنداشته و گرد آنها جمع شدند.

در دسته ی اول اشخاصی مانند محمد حنفیه (فرزند حضرت علی (ع)) و زید بن علی (فرزند امام سجاد (ع)) و اسماعیل به موسی الکاظم (ع) قرار دارند.[۱] .

گروه دوم برخلاف منسوبین از تنوع بیشتری برخوردارند که نخستین آنها عموی حضرت حجت (ع) جعفر کذاب (پسر امام دهم حضرت هادی (ع) است و از متاخرین هم غلام احمد قادیانی (در پاکستان) و میرزا علی محمد باب شیرازی می باشد.

[صفحه ۴۳]

پاورقی

[۱] کمال الدین صفحات ۳۲ تا ۴۰.

روشنگری

پس از اثبات اصالت قائمیت اینک به بررسی این مطلب می پردازیم که با توجه به موازین اسلامی، این خلعت اصلاح الهی و قیام دادگسترانه زیبنده ی قامت چه کس تواند بود و چگونه آن ذهنیت در این

عینیت متبلور می گردد.

البته اگر اعتقاد قلبی تمام جهان اسلام این بود که:

«مهـدی موعود از نسل پیغمبر (ص) و آخرین جانشـین ایشان و از فرزنـدان امام حسـین (ع) بوده و پـدر بزرگوارش امام حسـن عسـکری (ع) می باشد، به سال ۲۵۵ در شـهر سامراء به دنیا آمـده و پیش از وفات پدر (۲۶۰ ه) از نظرها پنهان گشـته و تاکنون زنـده است و به انتظـار امر الهی به سـر می برد تـا زمـانی که اذن قیـام دریـافت دارد و جـان تـازه ای از عـدل و ایمان در کالبد انسانیت مرده از ظلم و شرک بدمد.[۱] .

و آفت هـایی هم صـفای مهـدویت را نمی آلود [۲] و نابکـارانی نیز این داعیه بر خـود نمی بسـتند [۳] ، دیگر طرح این سـخن (تحقق عینی قائمیت) موردی نداشت، اما چاره چیست که از طرفی:

برادران اهل سنت ما نظر قاطعی نسبت به شخص قائم منتظر

[صفحه ۴۴]

ندارند چنانچه:

برخی مهـدی را از اولاـد امـام حسن (ع) می داننـد و بعضـی او را از نسـل امـام حسـین (ع)می شـمارند.در میـان اینان اختلاف نظرهای دیگری نیز وجود دارد، زیرا گروهی معتقدند که: قائم به دنیا آمده و پس از مدتی زندگی بدرود حیات گفته و سپس در آخرالزمان مجـددا زنـدگی از نو آغاز خواهد کرد و قیام شـرک بر افکن خود را به انجام می رساند و اکثریت نیز این گفته را پـذیرفته انـد که: در آینـده به دنیا خواهد آمد. عده ای از محدثین آنها نیز با شـیعه هم عقیده بوده و آن بزرگوار را در حال حاضر زنده و غایب می دانند.[۴] .

و

از طرف دیگر، جهالت نسبت به قاطعیت قائم موعود باعث سودجوئی سودا گرانی شده که با سلاح تفرقه، اتحاد جامعه ی اسلامی را گسستند، و مردم ظلم دیده و ستم کشیده نیز بی خبر از حقیقت موضوع، به تصور ظهور قائم منتقم به گردشان جمع شدند، که تشنه ای که آب به چنگ نیاورد به سوی سراب روان می شود، و حتی گاه این طوفانهای زمانه آنچنان بیداد می کرد که احتیاج به ندائی هم نبود و مسلمین فارغ از شناخت راستین امام، بگرد افرادی که دور نمائی از مهدی موعود داشتند، حلقه زده و او را منجی خود از نابسامانی ها تصور نمودند.

لذا با توجه به آن حیرت و این گمراهی هاست که ما در این بخش ملزم به آن می شویم که تحقق بخشنده ی استخلاف الهی را کاملاـ بازشناسیم تا در ضمن بی اعتبار ساختن حیرت مخالفان و ارائه ی مشعلی به ظلمت افتادگان جاهل، به یقین خویش نیز بیفزائیم.

[صفحه ۴۵]

البته ممکن است، معتقد به مهدویت نوعی (عدم قاطعیت در مورد تعیین قائم منتظر) این بحث را بی حاصل دانسته و شناسایی آن را، به هنگام - یا بعد از - ظهور مهدی (ع) موکول سازد، به این مفهوم که با توجه به علائم قبل و بعد قیام می توان به خوبی آن انقلاب عدل آور را از غیر آن تشخیص داد و در زمان قیام هم به سهولت قادر به شناخت مهدی موعود خواهیم بود زیرا که نهضتش آشکار است و رهبرش ظاهر.

لازمه ی اشکال فوق این است که در حال حاضر نیازی به شناخت امام نداریم

و معرفت وی سودی از آنمان نخواهد ساخت، در صورتی که این نتیجه گیری خود مخالف نص صریح رسول خدا دائر بر عرفان حجت زمان می باشد، و در این مورد احادیث نبوی فراوانی را علمای فریقین (تشیع و تسنن) نقل نموده اند، که از آن جمله است:

قال رسول الله (ص): من مات بغیر امام مات میته الجاهلیه و من نزع یدا من طاعه جاء یوم القیامه لاحجه له.[۵] .

کسی که بدون امام بمیرد (همانند کافران) به مگر جاهلیت مرده است و کسی دست از طاعت (امام) بردارد، روز قیامت وارد محشر خواهد شد در حالی که نتواند از خود دفاع کند (دلیلی بر تباه شدن اعمالش نخواهد داشت.)

بنابراین با این فرمایش قاطع نبی مکرم (ص) است که تمام رشته های این گزافه گویان پنبه خواهد شد.

بعد از این رفع اشکال است که اکنون در پی جویی بحث اصلی این

[صفحه ۴۶]

بخش (تحقق مهدویت) چنین سخن آغاز می کنیم:

از آنجا که شیعه مهدی موعود و قائم منتظر را حضرت حجه بن الحسن العسکری (ع) دانسته و ایشان را آخرین امام از ائمه ی دوازده گانه ی خود می شناسد، بالطبع مساله ی قائمیت حضرت حجت (ع) را شاخه ای از مساله ی امامت دانسته کمه برای اذعان به آن باید نخست موضوع جانشینی و وصایت رسول خدا (ص) را در مورد این دوازده گوهر پاک مبرهن ساخت.

البته در مورد این اثبات، کتب کلامی و حدیثی امامیه به گونه ای گسترده سخن رانده اند و استدلال های گوناگونی بر این اعتقاد خود آورده اند، که ما بنا بر شیوه

ی مورد نظر در نگارش این نوشته تنها به ذکر یک مورد اکتفا می کنیم:

رسول خدا (ص) در احادیث فراوانی (بالغ بر ۲۷۱ مورد) تعداد پیشوایان بعد از خود را ۱۲ نفر، اعلام کرده است [۶] که از میان آن انبوه چند نمونه زیر به چشم می خورد:

- برای این امت دوازده خلیفه است.[۷] .

- بعد از من جانشینان، دوازده نفر بوده که همه از قریش می باشند.[۸] .

- این دین پیوسته پا بر جاست تا دوازده نفر از قریش)جایگزین من گردند(.[۹] .

[صفحه ۴۷]

با توجه به این گستردگی احادیث نبوی - که همه مستخرج از متون عامه هستند - [۱۰] به این نتیجه می رسیم که جانشینان حضرت رسول (ص) منحصرا دوازده نفرند و نه کمتر و نه بیشتر.

اما حال باید بررسی کرد که این عدد ۱۲ منطبق بر کدام گروه از خلفای بعد از پیامبر (ص) می باشد، آیا بر خلفای راشدین (۴ نفر) یا بنی امیه (۱۳ نفر) یا بنی عباس (۳۷ نفر) - بر فرض که ظلم و جور این دو سلسله را هم نادیده بگیریم - یا... مطابقت دارند؟

این جاست که تنها ائمه ی اثنی عشر شیعه هستند که منطبق بر این تعداد می باشند.[۱۱] چنانچه در همان ۲۷۱ روایت در موارد قابل ملاحظه ای به این موضوع اشاره شده است که در آن میان دو نمونه آورده می شود:

- رسول خدا (ص) خطاب به پسر عم گرامیش حضرت امیر (ع) فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند، اول ایشان تو هستی، یا علی، و آخرین آنها قائم است که خدا به

دستش مشارق و مغارب زمین را می گشاید.[۱۲] .

- هنگامی که حضرتش حسین (ع) را بر زانو نشانده و بر سر و صورتش بوسه می زد به وی می فرمود: تو حجت خدائی و پسر حجت خدا و پدر نه حجتی که از صلب تو هستند. که نهمین آنها قائمشان می باشد.

همین صراحت است که برخی از بزرگان انصاف ورز تسنن را معترف به امامت ائمه ی اثنی عشر - علیهم السلام - نموده است [۱۳] .

[صفحه ۴۸]

چنانچه حتی برخی در فضائل و مناقب آن بزرگواران نیز کتاب هائی تألیف نموده اند.[۱۴] .

بنابراین با ملاحظه ی این برهان، جای تردید باقی نمی ماند که امامان پاک نهاد شیعه تنها جانشینان بر حق پیامبر اسلام بوده که آخرین آنها نیز بنا به معرفی همان احادیث (۱۰۷ مورد از ۲۷۱ روایت) [۱۵] حضرت حجه بن الحسن صلوات الله علیه می باشد، که از آن موارد است:

- اولین وصی من علی بن ابی طالب است و سپس نوه ام حسن و حسین و پس از آن نه امام از نسل حسین (ع) خواهند آمد. (سپس در مقام توضیح و روشن ساختن آنان فرمود:) چون حسین (از دنیا) رود فرزندش علی (وصی من است) و پس از علی فرزندش محمد و پس از محمد فرزندش جعفر... و پس از علی فرزندش حسن و چون حسن درگذرد فرزندش حجت (خدا) مهدی خواهد بود اینان (اوصیای من، مجموعا ۱۲ نفرند).[۱۶] .

به این ترتیب شاهدیم که آن مصلح الهی و آن قائم بر حق تنها حضرت بقیه الله محمد بن الحسن العسکری (ع) تواند بود

و بس. و دیگران اگر به کوره راه و غلط اندازی افتاده اند ناشی از جهل یا غرض ورزی آنها نسبت به مساله ی امامت - و بالتبع به شخص حضرت مهدی (ع) - می باشد.

[صفحه ۵۱]

پاورقی

[۱] آخرین تحول، ص ۱۰۸، با اندک تصرف در عبارات.

[۲] منسوبین.

[۳] مدعیان.

[۴] مدرک فوق، ص ۱۰۹.

[۵] مسند حافظ طیالسی ص ۲۵۹ طبع حیدر آباد – به نقل از ص ۱۱۳ کتاب فوق الذکر.

[۶] البته در بین این روایات تعدادی از آنها (۵۰ مورد)، اسامی ۱۲ امام را هم برشمرده است. اما در این استدلال ما تنها به همان حصر آنان در عدد ۱۲ استناد می کنیم.

[۷] از جابر بن سمره صحابی معروف گفت شنیدم پیغمبر (ص) فرمود: یکون لهذه الامه اثنی عشر خلیفه منتخب الاثر، ص ۱۲ حدیث ۷.

[۸] قال ابن مسعود عن النبی (ص) انه قال: یکون من بعدی اثنی عشر خلیفه کلهم من قریش کنز العمال جلد ۱ ص ۳۳۸، به نقل از کتاب نوید امن و امان تالیف صافی گلپایگانی، ص ۶۶.

[۹] ابن النجار عن انس بن مالک عن رسول الله (ص) قال: لن یزال هذا الدین قائما الی اثنی عشر من قریش... کنز العمال، جلد اول ص ۲۰۱ حدیث ۳۴۸۳، به نقل از کتاب فوق الذکر.

[۱۰] برای اطلاع بیشتر به کتب نوید امن و امان، منتخب - الاثر و آخرین تحول مراجعه کنید.

[۱۱] (زائد است).

[۱۲] ینابیع الموده، تالیف خواجه کلان قندوری ص ۴۹۳، به نقل از نوید امن و امان ص ۶۸.

[۱۳] عن سلمان (ره) قال: دخلت علی النبی (ص) و

اذا الحسین علی فخذه و هو یقبل عینیه و یلثم فاه و یقول: انک سید ابن سید ابو ساده، انک امام ابن امام ابو ائمه، انک حجه بن حجه ابو حجج تسعه من صلبک تاسعهم قائمهم کتاب مقتل الحسین طبع - الغری، تالیف اخطب خوارزم، به نقل از آخرین تحول ص ۱۴۶.

- مکرر - مانند حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی و ابن - الصباغ مالکی و قاضی بهلول بهجت افندی و غیره که تعدادی از آنها را فاضل محقق آقای صافی گلپایگانی در کتاب نوید امن و امان ص ۷۲ و ۷۴ برشمرده اند.

[۱۴] مانند کتب: خصائص حافظ نسائی، موده القربی خواجه کلان قندوزی، تذکره الخواص سبط ابن الجوزی و مطالب - السئول ابن طلحه شافعی و غیره.

[۱۵] منتخب الاثر فصل اول باب هشتم.

[۱۶] احقاق الحق ج ۱۳ ص ۴۹ – به نقل از آخرین تحول ص ۱۳۷.

آشنایی

برای بررسی هر موضوع، می بایست دو مرحله را طی نمود که آن دو عبارت از اثبات و شناسائی می باشد. مساله مهدویت هم از این اصل منطقی خارج نبوده، که در این نوشته هم کوشش گردیده که آن ترتیب رعایت شود، چنانچه در مباحث قبل، مقام نخست (اصالت مهدویت و مبرهن ساختن آن در شخص محمد بن الحسن - العسکری (ع)) و در این قسمت، آشنائی بیشتر با مهدی موعود مطرح می گردد. برای دستیابی به این ژرفنگری، مسائل و برنامه های مربوط به حضرت حجت (ع) را در سه گروه زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

۱ - غیبت

۲ - طول عمر

۳ - قیام

اینک بررسی گذرایی در هر

یک از این موضوعات:

غیبت

از خصوصیات قطعی حضرت بقیه الله (ع) مساله غیبت و پنهانی ایشان از انظار آگاه مردمان می باشد که البته در بیشتر مواردی که در فرهنگ اسلام و تشیع این حتمیت بیان شده است، مقصود غیبت دراز مدت ایشان (غیبت کبری) می باشد.

[صفحه ۵۲]

از میان آن احادیث فراوان است، دو نمونه زیر: - حضرت رسول (ص) در ضمن برشماری یک یک امامان - علیهم السلام - به آخرین آنها پرداخته و می فرمایند: و پس از او (امام حسن عسکری (ع) فرزندش محمد جانشین من خواهد بود که به نامهای مهدی و حجت خوانده می شود. پس دورانی غیبت گزینند (تا هنگام قیام که) پنهانی بسر آورده و زمین را از عدل و داد آکنده سازد.[۱] - امام هفتم حضرت موسی کاظم (ع) خطاب به فرزندشان فرمودند: پسرک دلبندم بدرستی که چاره ای نیست برای صاحب - الامر مگر آن که غیبت اختیار کند.[۲] اما در مورد غیبت صغری هم اشاراتی رفته است: برای قائم آل محمد دو غیبت خواهد بود که یکی از دیگری طولانی تر است.[۳] .

برای بررسی مسائل غیبت، آنها را چنین دسته بندی می نمائیم:

الف - تاریخ

ب - حکمت

ج - زمان

د - وظائف

پاورقی

[۱] ینابیع الموده باب ۷۶ – به نقل از کتاب فوق ص ۱۴۷.

[۲] مکیال المکارم ص ۱۶۹ - قال موسی بن جعفر فی حدیث: یا بنی انه لا بد لصاحب هذا الامر من غیبه حتی یرجع عن هذا الامر من کان یقول به.

[۳] قال ابو جعفر: لقائم آل محمد غیبتان احدیهما اطول من الاخری.

منتخب الاثر ص ۲۵۲ حدیث ۵.

تاریخ

حضرت ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام در

نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا - از بلاد عراق - از شهزاده ای پاکدامن - که سپاهیان مسلمان وی را از سرزمین روم به اسیری آورده و امام یازدهم وی را به همسری گزیده بودند - موسوم به نرجس خاتون بدنیا پا نهادند. اما از آنجا که جباران بنی عباس از قبل خبر ظهور این قائم منتقم را شنیده بودند، پیوسته در کمین نشسته بودند تا این نور الهی را پیش از شعله کشیدنش خاموش سازند. به این ملاحظه بود که از پیش از میلاد امام مهدی (ع) خانه حضرت امام حسن عسکری (ع) را سخت تحت نظر و کنترل قرار داده بودند، تا مبادا که این مولود پا گیرد و بساط شرک و بیداد آفرینشان را درهم شکند، غافل از آن که خداوند نور خود را به اتمام می برد، هر چند کافران را خوش نیاید.[۱] عنایت به همین موضوع است که میلاد و رشد تمامی دوران کودکی حضرت مهدی (ع) بصورت امری پنهان و دور از چشم همگان - جز تنی چند از خواص - صورت می گرفت. اما این ناآشکاری باعث آن شده که برخی موارد شکاکان و مغرضان به تردید و انکار آن پردازند. حال گو که این دستاویزها مکرراتی باشد از اعتراضات هزار و اندی سال قبل: و از آنها عده ای بر قولند که او (پس از تولد) درگذشته و گروهی در این تمسخر و انکار که میلادش تحقق نیافته است و در این اصرار که وجودش امری

موهوم می باشد [۲] اما برای پاسخگوئی به این گونه جاهلان – و بسا که غرض ورزان –

[صفحه ۵۴]

خود می دانیم که بر خورشید فروغ بخش دلیل آوردن خطاست که آفتاب آمد دلیل آفتاب. لکن با این وجود به زدودن پاره – ابرهای اوهام این گونه بی بصیرتان در برابر این خورشید زمان می پردازیم: در مبحث روشنگری ملاحظه گردید که چگونه رسول خدا (ص) جانشینان بعد از خود را در ۱۲ نفر بر شمرده است. و نیز شاهد بودیم که این خلفای دوازده گانه منحصرا امامان شیعه علیهم السلام می توانند باشند و بس. حال با این ترتیب اگر از ناباوران حجت (ع) جویا شویم که چگونه امکان دارد ما به یازده نفر از این اوصیای رسول (ص) ایمان آوریم، لیک دوازده همینشان را انکار نمائیم؟ چه پاسخی ارائه می دهند؟ مضاف بر آن که این برهان قاطع علاوه بر دلائل عینی گوناگونی دال بر تولد مهدی (ع) – اعم از اخبار حضرت امام حسن عسکری (ع) [۳] و مشاهده خدام و کنیزان [۴] و نیز اصحاب خاص ایشان [۵] ، نسبت به این مولود میمون – می باشد که بر این دلائل باید اضافه کرد اعتراف مورخین اهل سنت بر وقوع این میلاد خجسته.[۶] اما اگر گروهی از این منکران، تحقق مهدویت را اذعان آورند لیک این نغمه ساز کنند که مهدی (ع) پس از تولد بدرود حیات گفته است، ما مسئله وجوب عرفان امام هر زمان [۷] و لزوم وجود حجت [۸] را مطرح می سازیم و به این ترتیب این دستاویزشان هم ره به جائی نمی برد.

[صفحه ۵۵]

اما اینکه این دستاویزگران چگونه نور را باور ندارند و اینکه چه سان امکان دارد در کنار چشمه خورشید به هلاکت رسید، موضوعی است که از ابتدای اسلام، ما را نسبت به آن هوشیار ساختند و هشدار دادند که:... و گروهی دیگر در میلادش به تردید افتند، پس هر آن کس که زمان (غیبت) ش را دریافت، به دینش تمسک جوید و راه شیطان را، که این القاءات از اوست، بر خود مسدود نماید.[۹] .

مدتی چند از وقوع میلاد مهدی (ع) گذشت و حضرتش در دامان پدر، دوران خرد سالی خود را طی می نمود، اما ستمگران بنی عباس که از پا گرفتن این لوای انتقام حق، سخت بهراس افتاده و پیوسته بر آن بودند که این کودک نوپا را یافته و دست به خونش آغشته سازند، سرانجام بدسگالی و فرعون منشی خود را به جائی رساندند که حضرتش ناچار شد برای حفظ جان به نهانخانه غیبت قدم نهاده و زیست پنهانی آغاز نماید، که همین غیاب است که پس از درگذشت پدر والا تبارش - که امامت به ایشان منتقل گردید - به درازا کشیده و زمان ما را هم در برگرفته است. اما در این دوره غیبت تا مدت ۶۹ سال آن - بعد از فوت حضرت امام حسن عسکری (ع) - شیعیان با امام عصر (ع) روابطی متقابل اما غیر مستقیم داشتند که این پیوند دو جانبه توسط سفرائی منصوب از طرف حضرتش، انجام می گرفت. این پیام آوران که برترین شیعیان عصر غیبت صغری از لحاظ

[صفحه ۵۶]

تقوی و معرفت و غیره بوده موسوم به نواب اربعه می باشند

و به ترتیب – زمانی – عبارتند از: – عثمان بن سعید عمروی – محمد بن عثمان بن سعید – فرزند نائب اول – – ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی – ابوالحسن علی بن محمد السیمری در آخرین روزهای حیات نائب چهارم، امام غائب طبق توقیعی که بنام او صادر فرمودند نیابت خاصه را پایان یافته تلقی کرده و هر – گونه ارتباطی را که منجر به اخذ تکالیف دینی – و خواندن شیعیان به عمل کردن به آن – شود تا هنگام قیام مسدود اعلام فرمودند.[۱۰] و رهبری ظاهری شیعه را – در توقیعی دیگر – به فقهای جامع – الشرایط و مراجع تقلید وا گذاشتند.[۱۱] به این ترتیب بود که ولی دوران رخ از جهانیان بر گرفت تا آن که این پنهانی وسیله ای باشد که خداوند یاران خود و رسولانش را باز شناسد که خدای صاحب قدرتی ارجمند است.[۱۲] .

پاورقی

[۱] یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم و الله متم نوره و لو کره – الکافرون آیه ۸ سوره صف ۶۱.

[۲] فمنهم یذهب الی انه میت، و منهم من ینکر ولادته و یجحد وجوده بواحده و یستهزء بالصدق به ص ۱۷۵، کتاب – الغیبه تالیف محمد بن ابراهیم نعمانی، از علمای شیعی قرن چهارم هجری.

[۳] کمال الدین چاپ مکتبه الصدوق باب ۳۸ ما اخبر به – العسکری (ع) من وقوع الغیبه.

[۴] کمال الدین باب ۴۱ باب ما روی فی میلاد القائم (ع).

[۵] کمال الدین باب ۴۳ باب من شاهد القئم (ع).

[۶] مانند حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان فصل بیستم و

حافظ نورالدین ابن – صباح مالکی در فصول المهمه فصل دوازدهم و خواجه کلان قندوزی در ینابیع الموده ص ۴۵۳ و غیره.

[۷] در مبحث روشنگری اثبات این موضوع گذشت.

[۸] به ابتدای مبحث طول عمر مراجعه کنید.

[۹] قال رسول الله (ص) فی حدیث: و یشک آخرون فی قلادته فمن ادرک زمانه فلیتمسک بدینه و لا یجعل للشیطان الیه سبیلا بشنه – بحار الانوار تالیف علامه مجلسی ج ۵۱ ص ۶۸.

[۱۰] غیبت شیخ طوسی ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

[۱۱] و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم اما بهنگام پدیداری وقایع زمانه، پس به راویان حدیث ما رجوع نمائید زیرا که آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر شما – کمال الدین شیخ صدوق، ص ۴۸۴.

[۱۲] و لیعلم الله من ینصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز – آیه ۲۵ سوره حدید ۵۷.

حکمت

موضوع علل غیبت امام عصر (ع) از مسائل بحث انگیزی بوده که از همان ابتدای پنهانی حضرت مهدی (ع) بطور گسترده در مورد آن سخن می رفته است، و حتی گاه این مساله، دستاویزی می گردید بر باورداران دیگر مذاهب اسلامی که عقیده مندی شیعه را در این مورد – باورداشت قائم منتظر – به تمسخر و استهزاء گرفته و وجود ایشان را انکار نمایند.

[صفحه ۵۷]

چنانچه نخستین سری کتابهایی که توسط پژوهشگران شیعی در مورد اثبات این اعتقاد نگاشته شده است، شاهد این مدعایند، که از جمله آنها می توان کتاب کمال الدین شیخ صدوق – رحمه الله – علیه – (متوفی به

سال ۳۸۱ هجری) را برشمرد که اکثر مباحث آن به همین بحث – اصالت غیبت – اختصاص یافته است. اما نکته ای که پیش از ورود بـه این گفتـار – علـل غیبت – قابـل یـادآوری است آنست که بطـور کلی علت اصـلی و حکمت بـالغه پنهـانی امـام بر ما پوشیده است چنانچه برخی روایات درک کامل آن را در زمان قیام وعده داده اند. با این عنایت است که دلائلی هم، که برای غیبت امام ارائه شده است، عوامل ظاهری آن می باشند و نه برهان قاطع و حتمی پنهانی حضرت. اینک پاره ای از آن اسباب:

«حفظ جان»

یکی از دلائـل اولیه غیبت ولی عصـر (ع) مسـاله حفظ جان حضـرتش می باشـد زیرا – آن چنان که در گفتار قبل اشاره شـد – معتمد عباسی [۱] سـخت در تلاـش بـود که هر چه زودتر این وارث موسـی کلیم الله را از میـان بردارد، به همین جهت بود که پیوسـته کار – گزارانش را وا می داشت تا به خانه امام حسن (ع) یورش برده و به آن نیت پلیـد وی جامه عمل بپوشانند. اما در هر دفعه، خداوند متعال به طرقی ایشان را از شـر این شـیطان صـفتان نجات می داد. تا اینکه سرانجام در یکی از حساسترین آن یورشا، که آن

[صفحه ۵۸]

نامردمان چنـد گامی بیش با حجت خـدا (ع) فاصـله نداشـتند، بود که مهـدی (ع) از چشم آنان و دیگر مردم پنهان گشت و به این ترتیب غیبت صـاحب الامر، آغاز گشت. بنابر این شاهـدیم که چگونه سوء نیت آن جانشـینان فرعون کار را به آنجا رساند که امام بمنظور نگهداری

خویش از هلاکت از زیست آشکار به حیات نهانی گرایید. اما اینکه چرا ایشان همانند اجداد پاک نهادش تن به کشتن ننهاد، مساله ای است که ناشی از ویژگی خاص ایشان - که دیگر ائمه فاقد آن بودند - که همان موضوع قیام حضرتش - بمنظور گستردن عدل و ایمان در سطح زمین - که لازمه آن ادامه حیات تا هنگام ظهور است، می باشد.

«ایجاد زمینه»

در پی فراز قبل که علت اولیه شروع غیبت را یاد آور شدیم اینک در این گفتار بر آنیم که به بررسی علت ادامه آن پنهانی پردازیم و اینکه چرا آن موج ناآشکاری قائم (ع) پس از ۱۱ / ۵ قرن هنوز تموج خود را از دست نداده است. برای پاسخ این پرسش ابتدا باید بر این نکته آگاهی یافت که آن تداوم خود منتج از عواملی است که تنها با شناخت آنهاست که می توان به علت ادامه غیبت دست یافت. این استنتاج از قرار زیر می تواند باشد: در مبحث گذشته به این مطلب اشاره شد که از خصوصیات مهم حضرت حجت (ع) مساله قیام و عدل گستری ایشان و تشکیل حکومت واحد جهانی در سطح زمین می باشد.[۲] اما این ویژگی بطور مستقل

[صفحه ۵۹]

مطرح نبوده و بستگی به عواملی دارد که تا هنگامی که آنها حاصل نشود قیام صورت نخواهد گرفت.[۳] مجموعه این عوامل را می توان در یک جمله خلاصه نمود و آن عبارت از پیدایش استعداد پذیرش قیام قائم موعود می باشد. اما این شایستگی درک ظهور هنگامی تحقق می یابد که بشر مراحلی از رشد و تکامل را پیموده باشد،

که این نیز خود تنها در ابعاد زمانهاست که شکل می پذیرد و با گذشت روزگار است که کاروان بشریت آن منازل را طی می کند. بنابر این نتیجتا سخن به اینجا می رسد که قیام هنگامی صورت می گیرد که بشر دوران خیره سری خود را نسبت به برنامه های مردان الهی پشت سر نهاده، و در پی ناتوانی خود بمنظور دستیابی به سعادت خویش، خواستار امدادی آسمانی گردد. به تعبیر دیگر غیبت بدان علت ادامه یافت تا مقدمه ای باشد برای حصول قیام قائم (ع). و مفهوم تر آن که اگر ظهور امام در اثر پذیرش درونی انسانها - که لازمه آن وقوع غیبت است - نباشد، باز هم همان بی عنایتی و همان گردن فرازی و همان استکبار بشر در برابر صراط مستقیم تکرار خواهد گشت و در نتیجه این آخرین امید هم به یاس مبدل می شود و لکن می دانیم که این چنین نخواهد شد که خداوند بحتم مقرر داشتند که بی تردید من و رسولانم - بر باطل - چیره خواهیم شد.

[صفحه ۶۰]

«آزمایش»

در هنگام وقوع مسائل شخصی و پدیده های اجتماعی، انسانها بر دو گونه اند: گروهی استقامت ورزیده و شکیبائی از کف نمی دهند، و دسته ای دیگر پایدار نبوده و خود را تسلیم مکاره دهر می نمایند. حال گو که تمامی سرمایه های ایمان و تحرکشان به تاراج رود. همین سنجش ثبات قدم است که در ادیان توحیدی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و پیوسته بعنوان ملاک و میزانی که برای شناسائی درجات ایمان بکار می رود، از تاکید فراوانی برخوردار بوده است.

در فرهنگ اسلام هم این سنت الهی برقرار بوده و بطور گسترده در مورد آن سخن رفته است و از آن جمله این آیه قرآن کریم است که: آیا مردم گمان بردند که ما با ادعای ایمان آنها را رها کرده و در معرض امتحان در نیایند؟ [۴] زمان غیبت قائم منتظر، یکی از موارد تحقق این اراده حق - متعال است که حوادث سهمگین هنگام غیبت از آن آزمایشگاهی می سازد که مردم متدین و خالص و استوار را از منافقان سالوس و ریاکار مشخص و ممتاز می گرداند: بخدا سوگند این چنین نیست - که می پندارید - آنچه چشمداشت آن دارید - ظهور امام عصر (ع) - واقع نمی شود مگر آن که از غربال - زمان غیبت - در گذرید، و باز هم آن انتظارتان به ثمر نمی رسد جز اینکه از هم جدا شوید:... تا آن که پست عنصران به نهایت شقاوت خود رسند و نیک نهادان به اوج سعادت خویش.[۵] .

[صفحه ۶۱]

«قدرشناسی»

انسان عموما نهادش بر این استوار است که تا هنگامی که به فراق چیزی مبتلا نشود آن را ارج نمی نهد و تا مدتها سراب ها او را به خود مشغول نسازند، به چشمه حیات عنایت چندانی ندارد و به قول سعدی: (چه دانند جیحونیان قدر آب - ز واماندگان پرس در آفتاب) پنهانی امام عصر (ع) نیز از این نوع است که پس از آن همه قدر ناشناسی ها که نسبت به اجداد گرامیش - که درود خدا بر همگیشان باد - روا داشتند آن چنان که گروهی تکذیبشان نمودند و دسته ای به

قتلشان همت گماشتند.[۶] از میان آدمیان رخ برتافت و این چنین سرود که: حال که یازده گوهر درهم شکستید، به حرمان این آخرینشان گرفتار آئید، تا تنگنای ظلمت ناشی از فراق این چشمه آفتاب، شما را بر آن دارد که بهنگام ظهورش از آن گوهر شب چراغ نور فراوان برگیرید.

پاورقی

[۱] خلیفه زمان حضرت عسکری (ع) و دوران کودکی حضرت مهدی (ع).

[۲] این بحث بطور گسترده در مبحث قیام خواهد آمد.

[۳] البته بر اساس سیر طبیعی و جریان عادی امور، هر چند که امکان عدم رعایت آنها هم وجود دارد - مانند تولد حضرت مسیح توضیح بیشتر در مبحث شرائط قیام خواهد آمد.

[۴] ا حسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون آیه ۲ سوره عنکبوت ۲۹.

[۵] عن ابی عبد الله (ع):... ایهات ایهات لا ـ و الله لا یکون ما تمدون الیه اعینکم حتی تغربلوا، لا و الله لا یکون ما تمدون الیه اعینکم حتی تمیزوا... حتی یشقی من شقی و یسعد من سعد منتخب الاثر ص ۳۱۴ حدیث اول.

[۶] مکرر - کلما جاءهم رسول بما لا تهوی انفسهم فریقا کذبوا و فریقا یقتلون آیه ۷۰ سوره مائده ۵.

زمان

همان گونه که در مبحث نخست [۱] لزوم بررسی پدیده های هنگام غیبت را مبرهن ساختیم در این گفتار نیز یادآور می شویم که از آنجا که برای عمق بخشیدن به هر گونه تحرک، ضرورت شناسایی محیط و زمان کاملا باید مورد نظر قرار گیرد، بر همین اساس هم شکل گرفتن جنبش های شیعی در عصر غیبت نیازمند شناختی ژرف از دوران،

[صفحه ۶۲]

پنهانی امام غایب

(ع) می باشد. با عنایت به این ضرورت است که ما در این خش به پژوهشی گذرا در مورد خط مشی کلی وقایع زمان نهانی امام مهدی (ع) می پردازیم. اما این بررسی بر پایه دیدگاه و ضابطه ای خاص ارائه می گردد، که البته نه خود بافته بلکه متاثر از روایات رسول خدا (ص) و اوصیای گرانقدرش - که خدای را بر آنها درود فراوان باد. آن دیدگاه مورد نظر عبارت از درگیری فتنه در بین تمامی مردم - در همه دورانهای غیبت - می باشد چنانچه رسول خدا (ص) به همین موضوع اشاره کرده و فرموده اند که:... سپس فتنه ها یکی پس از دیگری پدیدار می شوند، تا اینکه مردی از امت من بنام مهدی (ع) - از نهانی - خارج شود.[۲] و نیز امام سجاد (ع) به یکی از یارانشان: ای اباخالد بدرستی و بی تردید - در دوران امامت حجت غائب — آشوب ها چون پاره های شب ظلمانی از پی یک دیگر ظاهر می شوند.[۳] اما برای بررسی چگونگی این فتنه ها نخست به معنای لغوی آن پرداخته و سپس تحقق آن را در جوامع اسلامی - از دیرباز تا کنون - مورد نظر قرار می دهیم: فتنه در لغت دارای معانی گوناگون - و عموما در یک جهت - بوده که از آن جمله دشمنی، عذاب، گمراهی، اختلاف مردم - که گاه به قتل و کشتار می رسد - و غیره [۴] می باشد. همین مفاهیم است که از لحاظ گستره آن، در سرزمین های اسلامی - در یک عبارت جامع - چنین مصطلح می گردد: پدید آمدن

هر گونه واقعه اجتماعی

[صفحه ۶۳]

یا جریان فرهنگی [۵] که بر حرمان مادی یا معنوی مسلمانها انجامد. از این دو پدیده، نخستین آنها - وقایع اجتماعی - مردم را سخت به کـام تنگنا و مشـقت - و حتی در چنگال نابودی - انـداخته، و دیگری - جریانات فرهنگی - با نفوذ در میان مسـلمین پویـایی امت را یـا به رکود کشانـده و یا از اصالت اسـلامی خود خارج می سازد. آن چنان که ملتی مسـلمان را که گام در راه فطرت - نهادهای سـتوده انسانی - نهاده است به اجتماعی با معیارهای بیگانه - و اغلب مخالف. با ضوابط اسلامی - تبدیل می نماید، بطوری که با این ترتیب هر لحظه مومنان سطحی [۶] در خطر گمراهی قرار می گیرنـد، آن چنان که پس از مدت زمان تنها گروهی اندک که دارای ایمانی پولادین و بینشی ژرف [۷] هسـتند باقی می مانند، که آنها هم پیوسته با بی مهری - و بسا که شـكنج - جامعه، که آن جریانات فرهنگی پایه های ایمانش را لرزان ساخته، مواجه گردیده و مجدد اعتبار خود را در میان افراد آن از دست می دهند [۸] - آن چنان که مومنان راستین و مجاهدان با تقوای ما در آن نیم قرن سیاه این چنین بودند. البته در مورد ریشه یـابی این حوادث دو گـانه می توان اذعان داشت که پدیـده های اجتماعی عموما ناشـی از عوامل داخلی (مانند سوء تدبیر رهبران جامعه یا از و طمع طبقه اشراف عیاش صفت بی

[صفحه ۶۴]

قید و بند) یا خارجی (مانند استعمار) می باشد. و وقوع جریانات انحطاط آور فرهنگی

در اثر خلاء جامعه از فرهنگ اصیل اسلامی. البته بر خلاف فتنه نخست، در این مورد تنها توده ای خاص (مانند طبقات پائین اجتماع) آسیب پذیر نیستند، بلکه بطور نسبی تمام مردم مسلمان در معرض خطر این گونه تند بادهای فرهنگی ۵۸ می باشند. [۹] مساله مهم دیگر در زمان غیبت، گسترش این فتنه هاست که از صدر اسلام (پس از درگذشت رسول خدا (ص)) تا کنون - و نیز تا زمان ظهور - این گونه مصیبات پیکر جوامع مسلمان را درهم شکسته - اند، آن گونه که شیوع هر جریان فرهنگی بیگانه، پیوسته مقدمه ای بوده است برای واقعه ای اجتماعی، با این ترتیب که یورش هر جریان بیگانه با اسلام به بلاد اسلامی، بینش مذهبی امت خدشه دار گشته و در نتیجه در پی خلاء جامعه از این قوام نیرومند بوده است که انواع نابسامانیهای اجتماعی مردم مسلمان را سخت در تنگنا انداخته و او را در معرض انحراف یا هلاکت در آورده است. آن - چنان که آن دوران حکومت، طاغوت مصداق تمام عیار این روال کلی زمان غیبت می باشد. بنابر این شاهدیم که چگونه در مجموع این عوامل یاد شده دست بدست هم داده و جامعه را از درون پوسانده و آن را در معرض یک انفجار قرار می دهند که اگر آن انقلاب هم دارای مبنای فکری صحیح و اصیل - که جز اسلام راستین نتواند بود. نباشد، باز هم تکراری خواهد بود از مکررات.

[صفحه ۶۵]

با توجه به این دیدگاه فرهنگی و تاریخی عصر غیبت است که عده ای که آن ناهنجاریها را احساس کرده لکن فاقد بینش

اسلامی – اند – سر خورده و مایوس از هر امدادی – و از آن جمله قیام قائم موعود هم بصورت بدبینی و هم بصورت شک – گردیده و گروهی – که همان عیاش صفتان مرز ناشناس و مریدان آنهایند – خیام خیام [۱۰] برافراشته و غفلت را پیشه خود می سازند و سرانجام دسته ای – از مومنان بی – بصیرت – وامانده و حیران که چه باید نود و از کجا آغاز می باید کرد. که البته در این ضمن هر یک از این گروهها سر در گریبان خود برده و با ادعای من مصیبم و خصم مخطی در نفی و انکار – و بسا که رنج و آزار – هم دیگر می کوشند و به این ترتیب تفرقه گزینی – بعد دیگر عصر نهانی امام غائب (ع) – تحقق می پذیرد... و این از آن روست که تمامی امت در جاهلیت بسر می برند مگر آن کس که خدای رحمتش آرد.[۱۱] .

پاورقی

[۱] مبحث یاد آوری بخش زمان آگاهی.

[۲] قال رسول الله فی حدیث: ثم تتبع الفتن بعضها بعضا حتی یخرج رجل من امتی یقال له المهدی منتخب الاثر فصل ۲ باب ۱ حدیث ۱۱.

[۳] قال علی بن الحسین (ع): یا ابا خالد لتاتین فتن لقطع اللیل المظلم ص ۱۳۵ بحار الانوار جلد ۵۱.

[۴] المنجد ذیل فتن.

[۵] فرهنگ عبارت از مجموعه اندوخته ها و ساخته های هر قوم – اعم از آثار مکتوب یا روابط اجتماعی و غیره – می باشد و جریان فرهنگی رواج یک چند مورد از مفاهیم آن. مثلا ترجمه کتب خارجی به فارسی –

پس از انقلاب مشروطیت - یا نفوذ اخلاق و آداب غربی - ها در ممالک شرق، مواردی از این گونه جریانات فرهنگی هستند.

[۶] عن محمد بن علی الباقر (ع): و قبل ذلک شر فتن یمسی الرجل مومنا و یصبح کافرا... پیش از آن - قیام - بدترین فتنه هاست - آن چنان که - شخص بهنگام شب ایماندار است ولی در بامداد کافر - منتخب الاثر ص ۴۳۷ حدیث ۱۹.

[۷] قال علی (ع):... و لکن بعد غیبه و حیره فلا ینبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون لروح الیقین، الذین اخذ الله میثاقهم بولایتنا و کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه:... اما بعد از نهانی - امام - و سرگردانی - مردم - آن چنان که در آن زمان کسی بر دینش استوار نمی ماند مگر پاکدینانی که در اوج یقین باشند، آن کسان که خداوند از آنها پیمان بر ولایت ما گرفته باشد و در قلبهایشان ایمان نوشته باشد و با تایید خود آنها را یاری دهد. منتخب الاثر ص ۲۰۵ حدیث ۵.

[۸] ستذل اولیائی فی زمانه و یتهادون رووسهم ما تهادی رووس الترک و الدیلم فیقتلون و یحرقون و یکونون خائفین مرعوبین و - جلین...: دوستان من (خداوند متعال) در زمان - غیبت - ش خوار گشته و سرهایشان به هدیه - ستمگران - برده می شود، همان گونه که در مورد اقوام ترک و دیلم این چنین گردید. پس - عده ای - کشته می شوند و - دسته ای - طعمه حریق می گردند، - و پیوسته - در خوف و اضطراب هستند... - کمال الدین،

ص ۳۱۰ و ۳۱۱.

[۹] مانند گسترش مکاتب مغرب زمین در چند دهه اخیر در کشور خودمان.

[۱۰] مقصود سراینده رباعیاتی است که روح کلی آنها دم غنیمت شمردن و پوچ جلوه دادن زندگی است.

[۱۱] خطبه امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه: اعلموا علما یقینا ان الذی یستقبل قائمنا من امر جاهلیتهم و ذلك ان الامه کلها یومئذ جاهلیه الا من رحم الله... جلد ۵۱ بحارالانوار، حدیث ۲۳.

وظائف

در آغاز این بحث نکته ای که ناچار از توجه به آن هستیم این است که برنامه های شیعه در کلیه زمانها یکسان است و چنین نیست که مقصود ما از وظائف زمان غیبت، جهت گیری هائی باشد که شیعیان دوران دیگر ائمه اطهار علیهم السلام موظف به انجام آنها نبوده اند. بلکه عنایت فرهنگ تشیع بر این گونه تحرك ها - در اکثر موارد - به ملاحظه عواملی چند - و از آن جمله عدم دسترسی ظاهری مردم به

[صفحه ۶۶]

امام و تشدید و شیوع مسائلی که در دیگر زمانها نیز مطرح بوده است [۱] - می باشد و به عبارت دیگر خط مشی شیعه در هنگام غیاب امامش واکنشی در برابر حوادث آن عصر است. و در حقیقت این هشدارها ناشی از آن می شود که از آنجا که جامعه تشیع - در زمان غیبت - در بعضی جبهه ها آسیب پذیرتر می باشد، در آن سنگرها وی را به مقاومت بیشتری خوانده اند، که این جبهه گیری و سنگربانی تحت عنوان وظائف شیعه در عصر پنهانی امام (ع) مطرح شده است. ما در ذیل به پاره ای از مهمترین این وظائف اشاره

می کنیم:

«پایداری»

مقصود از این عنوان آن است که عقیده مند این مذهب و آئین در برابر هجوم مکاتب و مرامهای بیگانه به بلاد اسلامی، خویش را نباخته و خللی در اعتقادات و انجام فرامین اسلامیش وارد نسازد، که این خود بنیان مرصوص [۲] ی است که فرد و جامعه را در مقابل یورش فرهنگهای غرب و شرق - که اصالت فرهنگ اسلامی را مغشوش و ناخالص و در مراحل بعد بی اثر می سازد - حفظ می نماید. بعد دیگر این استقامت آن است که وقوع مسائل شخصی یا اجتماعی، وی - شیعه - را از دینداریش باز ندارد، و به تعبیر دیگر رهرو این راه نه آن چنان است که در فراز و نشیب جامعه یا پستی و بلندی زندگیش دست از اعتقادات خود برداشته و از انجام

[صفحه ۶۷]

وظائف خود سرباز زند، که در این صورت حرکتها یا مسخ می شوند و یا به رکود می گرایند.

«انتظار»

در بررسی جوانب زمان غیبت ملاحظه شد که یکی از آن ابعاد موضوع یاس و ناامیدی از امدادهای بشری یا الهی - در مورد ترمیم نابسامانیها و اصلاح جامعه - می باشد که آن بزرگترین عامل اصطکاک در راه پیشرفت و تحرک اجتماع است، چه آن که می دانیم پشتوانه تمامی تلاشهای آدمی امید است. برای مقابله با این عامل رکود آور، مساله ای که در فرهنگ اسلام و تشیع تاکید فراوان بر آن رفته است، موضوع انتظار فرج - چشمداشت قیام قائم موعود - می باشد. که موارد زیر نمونه هایی از آن بزرگداشت است: رسول خدا (ص): برترین کردار امت

من انتظار فرج از خداوند عز و جل است.[۳] و سرور پرهیزکاران (ع): انتظار گشایش (امور بدست مهدی (ع)) برید و از رحمت حق نومید مشوید. پس: بدرستی که بهترین اعمال نزد خداوند - عزیز و بلند پایه - چشمداشت فرج است... و هر آن کس که منتظر امر ما (قیام قائم) باشد، مانند بخون غلطیده راه خداست.[۴] اما نخستین گام در این مرحله آن است که با توجه به عدم توقیت [۵] ائمه معصومین علیهم السلام درباره هنگام نهضت [۶] و اینکه

[صفحه ۶۸]

ظهور منجی بشریت نخواهد بود مگر ناگهانی و غیر منتظره [۷] ، می - بایست در هر زمان و بهر هنگام چشم براه آن واپسین قیام بود، و پیوسته می باید سرود که: اللهم عجل لولیک الفرج [۸] [۹] و نه اینکه هیچ گاه در این مورد بخود شک و تردید راه داد و نه آن که فراز و نشیب زمانه در این اعتقاد حرکت آفرین کمترین خللی وارد سازد، که این سخن رسول خدا است که: بشارت باد شما را به مهدی (ع) در آخر زمان بهنگام تنگنا و لغزش ها [۱۰] به این ترتیب است که، باید کوشید که در پی آن گام نخستین - اعتقاد خلل ناپذیر و پیوسته در یاد انتظار - دومین قدم را هم برداشت و آن آمادگی برای پذیرش مهدی منتظر و در دیگر عبارت شایستگی یاوری امام پیدا کردن و در شمار اصحاب - زمان قیام حضرتش - قرار گرفتن است. که لازمه آن متصف به اوصاف و متخلق به اخلاق آنان گشتن می باشد. بعنوان مثال هنگامی که قرآن متقیان و

صالحان را در فرجام کار وارث زمین معرفی می کند، [۱۱] آیا شیعیان هنگام غیاب امام نمی - بایستی واجد آن صفات - تقوا و صلاح [۱۲] باشد؟ و نیز اگر رزمندگی در رکاب قائم نیازمند شهامت، شجاعت فداکاری، تحرک، بینش و معرفت می باشد پس ما می بایست جوانمردانی رشید و جان نثارانی تلاشگر و آگاهانی تیزهوش باشیم که اگر هوای آنان داریم که در دوران حکومت قائم برتران و حکمرانان

[صفحه ۶۹]

جهانند، هر یک آنان توانی برابر نیروی هفتاد مرد [۱۳] دارد بایستی در پرورش و قوت بخشیدن به مغز [۱۴] و عقل [۱۵] و روحمان [۱۶] بکوشیم.

... و چنین ابعادی است که شیعه عصر غیبت را همپای رزمنده رکاب مهدی (ع) قرار می دهد و بسا که والاتر از آنها زیرا آنانند که برتر و افضل از مردمان دیگر زمانها هستند، چه که خداوند متعال، به آنان عقل و درک و قدرت شناختی داده است که غیبت بر ایشان چون ظهور است. خداوند ایشان را در آن زمان - غیاب امام عصر (ع) - همپایه مجاهدان شمشیر زن دوران پیامبر (ص) قرار داده است. اینانند اخلاص گزاران واقعی و شیعیان راستین و داعیان بخدا در نهان و آشکار.[۱۷] .

پاورقی

[۱] از این مسائل در بخش قبل (زمان) سخن راندیم.

[۲] سد آهنین، آیه ۴ - سوره صف.

[۳] افضل اعمال امتی: انتظار الفرج من الله عز وجل. کمال الدین ص ۶۴۴.

[۴] قال امیر المومنین (ع): انتظروا الفرج و لا تیاسوا من روح الله فان احب الاعمال الی الله عز و جل انتظار الفرج (الی ان - قال) و قال

(ع): الاخذ بامرنا معنا عدا فی حظیره القدس و - المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله. منتخب الاثر ص - ۴۹۸ حدیث ۱۱.

[۵] تعیین وقت.

[۶] مکرر - نمونه این گونه روایات را در باب ۶ از فصل ۸ کتاب منتخب الاثر آورده شده است. که از جمله آنهاست این فرمایش حضرت صادق (ع): کذب الموقتون، ما وقتنا فیما مضی و لا نوقت فیما یستقبل.: آنها که برای هنگام ظهور - وقت تعیین می کنند دروغ گویانی بیش نیستند - ما - اهل بیت - نه در گذشته - برای قیام - زمانی بر شمردیم و نه در آینده چنین خواهیم کرد.

[۷] عن ابی جعفر محمد (ع) عن رسول الله (ص): انما مثله لمثل الساعه لا تاتیکم الا بغته منتخب الاثر ص ۱۲۴.

[۸] از وظائف خاص شیعه بهنگام غیبت، دعا برای تعجیل قیام قائم منتظر نمودن است چنانچه خود فرمود: اکثروا الدعاء، بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم: برای فرارسیدن ظهور، دعا بسیار نمائید زیرا که آن موجب گشایش - امورتان - می شود. کمال - الدین ص ۴۸۵.

[۹] خداوندا فرج ولیت را به تعجیل انداز.

[۱۰] قال رسول الله (ص): ابشروا بالمهدی فی آخر - الزمان علی شده و زلال منتخب الاثر ص ۱۷۱ ج ۸۸.

[۱۱] لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون سوره الانبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵ و ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین آیه ۱۲۸، سوره اعراف ۷.

[۱۲] شامل صلاح فردی و صلاحجوئی نسبت به جامعه.

[۱۳] نه تنها زور با زور بلکه در قوت روح

نیز چنین خواهند بود.

[۱۴] کسب آگاهیهای لازم برای پذیرش حضرتش.

[۱۵] بصیرت و قدرت شناخت حق از باطل.

[۱۶] پیراسته شدن از پلیدیها و آراسته گردیدن به نیکیها.

[۱۷] منتخب الاثر ص ۲۴۴ – به نقل از در فجر ساحل ص ۶۳.

طول عمر

دانستیم که پروردگار والا- مرتبه وجود حضرت مهدی (ع) را در صدف خانه غیبت نهان ساخته است، و نیز گفتیم که این صدف شکسته نمی شود مگر آن زمان که آدمی دست از مرواریدهای بدل برداشته و خواهان تلولو این در پنهان گردد. ما از طرف دیگر آگاهیم که: اگر زمین بی امام ماند، اهلش را به کام خواهد کشید.[۱] [۲] با توجه به این دو گونه معرفت (حتمیت قیام و لزوم وجود حجت) است که مساله طول عمر و دیر زیستی حضرت بقیه الله (ع) جزء خصوصیات ویژه ایشان قرار می گیرند. و این ویژگی هنگامی اهمیت

[صفحه ۷۰]

بیشتری می یابد که روایات نبوی و احادیث امامان شیعه علیهم - السلام به گونه گسترده از آن سخن رانده اند. که مجموع آن احادیث را برخی از محققان تا [۳] ، ۳۱۸ مورد برشمرده اند. از آنجا که عمر دراز مدت امام عصر (ع) پدیده ای غیر متعارف در میان انسانها می باشد، از همان اوان غیبت استبعادها و اعتراضها متوجه شیعه بوده است: ادعای شما بر طول عمر صاحبتان و اینکه معتقدید او جوانی است دارای عقلی کامل و نیرویی تمام، امری خارق العاده است، زیرا بنا به عقیده شما در این زمان - که سال ۴۴۷ می باشد وی ۱۹۱ ساله می باشد... و عادت بر این نبوده

است که هیـچ انسانی تا این مـدت باقی بماند. پس چگونه است که این جریان را در مورد او - مهدی (ع) - نقض شده است؟ [۴] و شـگفت آورتر: او کجا رفت؟ و چگونه وجود او امکان دارد؟ تا چه هنگام در غیبت خواهـد بود؟ و حیاتش تا چه مـدت بطول می انجامد با وجود آن که او اکنون هشتاد و اندی!! سال عمر نموده است.[۵] .

[صفحه ۷۱]

همین حالت ناباوری است که همواره محـدثین و متکلمین و حکمای شیعی را برانگیخته است که بر این نشانه حضـرت مهدی (ع)، دلا‌یلی اقـامه کننـد. مـا در ذیل، با وجود عـدم امکان بررسـی تمامی آن براهین در این نوشـته، [۶] پـاره ای از آنهـا را از دیدگاههای گوناگون یاد آور می شویم:

«منطق:»

«عدم احاطه علمی»

بطور کلی مـا در کلیه قضاوتهـای خود هنگـامی می توانیم دربـاره پدیـده ای نظر مثبت یا منفی ارائه دهیم که بر تمامی جوانب قضـیه آگاهی داشـته و ابعاد آن کاملا بر ایمان مشـخص باشـد. مساله عمر طولانی نیز از این اصل منطقی خارج نیست زیرا که برای بررسـی دقیق آن ناچـار از شـناختی ژرف نسـبت به انسـان و جهان هستیم، اما خود می دانیم که بشـر - با وجود پیشـرفت فراوان علم در زمینه هـای مختلف - هنوز بـاعتراف سـردمدارانش در مراحـل اولیه این طریق است و حتی پیشـرفت معلومات با گسترش مجهولات نسـبت تصاعـدی دارد، به این مفهوم که با کشف یک معضل علمی، بسا که دهها و صدها مسـئله و معمای دیگر، در پی آن خود نمائی نمایند. و به تعبیر یکی از پژوهشگران غرب: همچنان که

با افزایش قطر کره، سطح تماس آن با عالم خارج افزایش می یابد، توجه به مجهول نیز با پیشرفت معرفت افزوده می گردد.[7]
.

[صفحه ۷۲]

«دانش:»

«اصالت حیات»

از اصول علمی مورد قبول دانشمندان بیولوژیست اینست که برای عمر بشر نمی توان حدی تعیین نمود و حتی اینکه دیر زیستی، مساله ای مرز ناپذیر است و به تعبیر دیگر: مرگ لازمه قوانین، طبیعی نیست و در عالم طبیعت از عمر ابد گرفته تا عمر یک لحظه ای همه نوعش هست، آنچه طبیعی و فطری است عمر جاودانی است.[8] اما این تاثیر روزگار بر ابدان آدمیان - پیری و کهولت - ناشی از عواملی از قبیل عدم رعایت اصول بهداشتی و تغذیه ناصحیح و تاثیرات جوی و محیطی و غیره می باشد که بعضی از آنها شناخته و برخی دیگر هنوز بر بشر مجهول بوده و رشته هایی از دانش بیولوژی مانند ژریاتری و جرونتولوژی در صدد کشف این گونه اصول حیاتی برای بالا بردن سن آدمی و طویل العمر ساختن وی هستند. بنابر این با این ترتیب آیا آن کس که آگاه از تمامی رموز جهان باشد قادر نخواهد بود که به عمری پس دراز دست یابد؟ بخدا سوگند این چنین نیست (بلکه) عالم (به معنای واقع) هیچ گاه جهل نمی ورزد که نسبت به چیزی آگاه باشد و به چیز دیگر جاهل. خداوند والاتر و ارجمندتر و گرامیتر از آن است که پیروی بنده ای (امام) را واجب سازد لیک علم زمین و آسمان را از وی دریغ دارد.[9] [10] .

[صفحه ۷۳]

«تحقق:»

«نمونه ها»

بطور کلی هنگامی که ما امری را

– هر چنـد خارق العاده – در یک یا چنـد مورد تحقق یافته دیدیم می توانیم آن را در موارد دیگرش تعمیم دهیم. مساله طویل العمر بودن از این گونه پدیـده هـاست که نظائر فراوانی از آن سـراغ داریم. چنانچه با توجه به قرآن، نوح لا اقل هزار سال عمر نمـوده است. و مـوارد گونـاگون دیگر که ذکر آن مـوجب تطویـل است. در این مـورد می توانیـد به کتـاب العمرون ابوحـاتم سجستانی متوفی ۲۸۵ هجری و کمال الدین باب المعمرون و متون دیگر مراجعه نمائید.

«دین:»

«اراده الهی»

اما ما در فرهنگ اسـلام برای اثبات این واقعیت، هر چنـد که آن دلائل را بعنوان مویـد این ویژگی یادآور می شویم، لیکن در حقیقت ما از این براهین بی نیاز هستیم زیرا اصل این است که حیات حضرت مهدی (ع) بایستی تا هنگام قیام ادامه داشته باشد و این خواست پروردگار است و می دانیم که چون خداونـد اراده وجود چیزی را نماید و به او بگوید: باش پس می شود.[۱۱] از طرف دیگر این خواست خداونـد دائر بر بی اثر ساختن قوانین طبیعت – بر فرض که پیری را عامل نیستی انسان بگیریم – بی سابقه نیست، بلکه در موارد گوناگون فراوان اتفاق افتاده است

[صفحه ۷۴]

که از آن جمله بی اثر سـاختن سـو زنـدگی آتش در مورد حضـرت ابراهیم (ع)، سـلب نمودن برنـدگی کـارد نسـبت به فرزند ارجمندش حضرت اسماعیل (ع) می باشد.

بـا توجه به این دلائـل و اسـباب است که موضوع طول عمر قائم منتظر که از قبل در فرهنگ اسـلامی قطعیت یافته بود از لحاظ منطق و دانش و تحقق

و اعتقاد دینی نیز امری سزاوار و انکار ناپذیر می - باشد.

پاورقی

[۱] برای ضرورت وجود حجت در زمین دلایل فراوانی در فرهنگ شیعه ارائه شده است که، در این نوشته تنها دو مورد آن را آورده ایم. مورد اول همین فرمایش معصوم است و مورد دیگر هم همان نتیجه حاصل از وجوب معرفت امام زمان (که در صفحات قبل دو حدیث دال بر آن آوردیم) - که عبارات از وجود حجت در زمین است - می باشد.

[۲] اصول کافی باب ان الارض لا تخلو من حجه حدیث ۱۰ - قال ابو عبد الله (ع): لو بقیت الارض بغیر امام لساخت ص ۳۳۴، چاپ کتاب فروشی اسلامیه.

[۳] منتخب الاثر فصل ۲ باب ۳۰.

[۴] کتاب الغیبه تالیف شیخ طوسی ص ۷۸ و ۷۹.

[۵] کتاب الغیبه تالیف محمد بن ابراهیم النعمانی ص ۱۵۷.

[۶] (زائد است).

[۷] ژان فوراسیته در ص ۳۸ کتاب وضع و شرایط روح علمی.

[۸] گفته برنارد شاو، ص ۲۰ خورشید مغرب محمد - رضا حکیمی.

[۹] قال ابو جعفر (ع): لا و الله لا یکون عالم جاهل ابدا، عالما بشی ء جاهلا بشی ء. ثم قال: الله اجل و اعذ و اکرم من ان یفرض طاعه عبد یجب عنه علم سمائه و ارضه - اصول کافی جلد دوم ص ۱۳ حدیث ۶.

[۱۰] مکرر فلبث فیهم الف سنه الا خمسین عاما آیه ۱۴، سوره عنکبوت ۲۹.

[۱۱] انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون ۸۲ یس ۳۶.

قیام

آخرین و مهمترین ویژگی قائم منتظر موضوع قیام ایشان می باشد، و در حقیقت باید گفت که

تمامی دیگر خصوصیات خاص ایشان، (غیبت و طول عمر و غیره)، همه مقدمه ای برای تحقق یافتن این مشخصه حضرتش می باشد. که این است سخن نبی مکرم (ص): اگر از عمر دنیا باقی نماند جز یک روز، مسلم که خداوند چنان طولانی اش گرداند تا مردی از امت و خاندان من - که نامش همانند نام من است - برانگیزاند تا او زمین را به عدل و داد آورد همان گونه که از ستم و بیداد آکنده شده باشد.[۱] همان گونه که در مبحث ریشه یابی [۲] ملاحظه گردید، قیام حضرت مهدی (ع) بمنظور تحقق بخشیدن به همان اهدافی است که پیامبران الهی در حصول به آنها ناموفق ماندند، که می دانیم منتهای

آن اهداف سرانجام منجر به استقرار جامعه توحیدی و برانداختن بنیان کفر و شرک می گردد. موضوع انقلاب قائم موعود هم از این جهت خارج نبوده و در تعبیری جامع می توان قصد از قیام ایشان را سیر جامعه بشری به آخرین درجه کمال و حیات مادی و معنوی دانست. برای ساختن این بنای رفیع لازم است که نخست زمینه آن از هر گونه فراز و نشیب و نابرابری پیراسته گردد. به عبارت دیگر برای نیل به آن تنها مدینه فاضله ی محقق تاریخ، باید جامعه انسانی را از هر گونه ظلم و جور و فساد پاکسازی نمود و این میسر نخواهد شد مگر آن که عاملان این ستمکاری ها از بین برده شوند به این مفهوم که صدر نشینان اجتماع بشری را که همان گردنکشان جبار و مفسدان خونخوار هستند از مسند ریاست جوامع به خاک ذلت افکنده

و چنـان دهانشـان خرد کرد و شـکست که دیگر آخرین خبر که از آنهـا شـنیده شود از قعر جهنم باشـد! که این همه داغ داری تاریـخ بشـریت از این زورگویان مقام خواه و پست عنصـران باطل پرست بوده است. در نتیجه این پالایش جامعه بشـری از این گونه سـتمگران است که فاصـله های طبقاتی - که ثمره آن بی عدالتی ها - می باشند بر - می افتد، به گونه ای که هیچ گروه و ملتـی تـوان آن نمی یابـد که بر هم دیگر تفـاخر نمـوده و برتری جوینـد. و در پس این تعـدیل عملی است که جهـل و فقر - حاصل آن نابرابریها - نیز از جهان رخت می بندد. اما برای تعمیم اقدامات اصلاحی در سطح زمین، پس از

[صفحه ۷۶]

بر افتـادن آن سـتمکاران جفـا پیشه - و در نتیجه از بین رفتن مرزهـای جغرافیـایی کشورها - لزوم تشـکیل یک حکومت واحد جهـانی احسـاس می گردد، بطوری که در تمـام نقاط دنیا تنها یک پرچم برافراشـته شود و آن لوای توحیـدی باشـد و عـدل و ایمان. پس از این اقدام است که موعود امم، عدل و انصاف و مساواه را - با توجه به نیاز و استعداد آدمیان - بین انسانها برقرار می سازد، آنسان که از کران تا کران گیتی انـدک نابرابری و ناخشـنودی بچشم نمی خورد. پس از انجام این برنامه هاست که مجال تجلی حق و پیروزی یگانه دین سعادت بخش بشر بـدست می آیـد، بـدان گونه که تمامی اهل زمین بر یگانگی خدا و رسالت نبی گرامیش حضرت محمد (ص) و ولایت وصی بر حقش امیر مومنان علی

مرتضی (ع) گواهی دهند، و اگر احیانا نابکارانی پس از آن همه تیره روزی و نافرجامی بشریت - که ناشی از شرک و نفاق و کفر بوده است - نخواهند سر تسلیم در مقابل عدل و ایمان فرود آورند، بی درنگ به پیشگامان ظالم خود ملحق خواهند شد، که دیگر در شهر آفتاب مجالی برای جلوه نمائی شب پره ها نیست. به این ترتیب است که اسلام راستین - دور از هر گونه خرافه و بدعت و کجروی - در سر تا سر جهان گسترش می یابد و همه ساکنان کره ارض الهی و محمدی (ص) و علوی می گردند. در نتیجه این یکپارچگی است که صمیمیت و یگانگی بین انسانها برقرار شده و صفات و اخلاق نیک و پسندیده اسلامی جایگزین آن رسوم جاهلی می شوند.

[صفحه ۷۷]

دیگر شیطان است که باید گفت خوش آسوده بخواب که گاه هدایت است و نه هنگام ضلالت که آن همه که فریفته و دوزخ را لبریز نمودی بس است! در این زمان است که بشارت های قرآن که نوید بخش سعادت بشر بودند یک بیک جلوه گر می شوند و از آن جمله: و لو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض.[۳] اگر اهالی شهری ایمان آورند و تقوا پیشه گیرند، از زمین و آسمان برکتها و فزونیها را نثارشان می سازیم. که مفهوم این آیه هنگامی تحقق می یابد که تمام نیروهاو سرمایه های انسان و جهان از قوه به فعل و از باطن به ظاهر در آیند. به این مفهوم که تمامی استعدادهای آدمی - تا آخرین حد

خود - شکوفا گشته و منابع و انرژیهای زمین و آسمان نیز فی الجمله مورد بهره برداری وی قرار گیرند. و به همین گونه کلیه کهکشانها هم مسخر وی گردند و جان کلام آن که تمام مخلوقات خدا تحت تسلط انسان دوران قیام حضرت مهدی (ع) قرار می گیرند. که این رفعت مقام بشر خاک نشین تحقق این آیه از قرآن کریم است: و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعا.[۴] و آن چه که در زمین و آسمان است، وی همگی را مسخر شما گردانید. اما لازمه این تحول و تکامل گسترش دانش آدمی در تمام ابعاد

[صفحه ۷۸]

است آن گونه که در جهان آفرینش مجهولی برایش باقی نماند. و چنین است پهنه روزگار عدل قائم که: علم بیست و هفت حرف است، تمامی معلومات بشر تا هنگام قیام امام منتظر، از دو حرف تجاوز نمی کند. تنها در آن زمان - ظهور - است که - با عنایت حضرت مهدی (ع) - آدمی به بیست و پنج حرف دیگر دست می یابد.[۵] اما گستره نهضت حجت منتظر (ع) تنها شامل جنبه مادی نیست بلکه عقل و فهم انسانها نیز به آخرین درجات کمال و ارتقاء خود می رسند: هنگامی که قائم ما قیام آغازد، خداوند دست - رحمت - بر سر بندگان نهد پس - در نتیجه این عنایت حق - خردهاشان تمرکز یافته (هماهنگ شود) و عقلهاشان کامل گردد.[۶] لکن اینجا نباید فراموش کرد که تمام برنامه های قیام در حقیقت ایستگاه هایی هستند برای رسیدن به مقصدی ماورای آنها و مقدمه - ای برای انتقال انسان به

فطرت - پیراسته از هر آلایش - اولیه خود و زمینه ای برای پرواز او بسوی ملکوت. که آن انتظام و سازمان، کوششی است نیکفر جام برای برگرداندن این مرغ روح آدمی به آشیان خود همانجا که ملائک در پیشگاهش به سجده افتند. همانجا که زنگار غفلت - از یاد او - قلبش نیالاید. همانجا که با صفای جان و جامعه اش محبت آن یگانه مقصود را در درون خود جایگزین سازد.

[صفحه ۷۹]

همانجا که سروش عالم قدس در جایش آهنگی از عشق معبود ندارد. همانجا که... تنها مرا پرستند و نه اندک شرک به من آرند.

[صفحه ۸۳]

پاورقی

[۱] لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلا من امتی و من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی، یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا - منتخب الاثر فصل ۲ باب ۱.

[۲] مبحث الف.

[۳] آیه ۹۶ سوره اعراف ۷.

[۴] آیه ۱۳ سوره الجاثیه ۴۵.

[۵] از حضرت علی (ع)، ص ۲۶۷ و ۲۶۸ مهدی منتظر نوشته حاج شیخ محمد جواد خراسانی، چاپ دوم.

[۶] عن ابی جعفر (ع) قال: اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رووس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم.

تداوم انقلاب

و اینک سخن بر سر آنست که ما که ظلمت شب به پایان بردیم و در کرانه فجر خیمه افراشتیم، هیچ چشم انتظار طلوع خورشید جهانفروز هستیم؟ که سروش این زمان آنست که: حال که سکان این کشتی را از آن بی خدا گرفتید و خود هدایتگر کاروان گشتید، به چه سوی راه می پوئید؟

و کـدامین ساحل را مقصـد و ماوا گرفته ایـد؟ آیا نه این است که - پس از آن طوفان سـهمگین - در این آرامش پهنه بیکران اقیـانوس، جزیره بهشت را نشان گرفته ایم و بسوی آن است که پیش می تازیم؟ و نه اینکه این پویش هامان در جهت دستیابی بـدان کشور خورشـید است؟ که این است منزلگه و مقصـد و مـاوای مـا، و پشـتوانه تمـامی تلاشـها و کوششـهامان. آری برای رسـیدن بـه آن جـامعه موعـود اسـت کـه سازنـدگی اجتمـاع خـود را آغـاز کرده ایم، و در جهت دستیـابی بـدان است که این تلاشگریهای خود را به سامان می بریم. و نه این چنین پنداریم که تحقق حکومت جهانی امام مهدی (ع)

[صفحه ۸۴]

خیـالی خـام و سودایی نابهنگـام است. که در این انقلاب افتخار آفرین خویش ما بس جلوه ها از ابعاد قیام حضـرتش را شاهد بودیم. که از آن جمله نقش ایمان در تکوین نهضت و نیز وحـدت رهبری در پیشوائی عظیم الشان و مرجعی روحانی - و نائب عـام خود حضـرت - می باشـد. انقلاب امـام مهـدی هم، چنین است، منتهی بـا گستره ای فرا - گیرتر و ابعادی ژرفتر و نیز در سطحی جهـانی و بـا همیـاری تمـامی مستضـعفان گیتی. و در این میـان این رسـالت عظیم بـدوش مـاست که مردمـان را آماده پـذیرش قیام حضـرتش گردانیم. و این میسـر نیست مگر اینکه نخست مملکت خویش را به سامان آریم و در کنار جنبش های اجتماعی و سیاسـی نهضت فرهنگی را هم از یاد نبرده و اعتقادات اصل اسلامی و شیعی را در میان توده مردم بگسترانیم. بویژه درباره مساله امامت

و ولایت - که این روزها چندان سخن از این روح حماسه آفرین شیعه نمی رود و این خطری است عظیم برای نهضت، که آن را به انحراف و مسخ می کشاند - و مسائل مربوط به امام عصر (ع) باید بسیار سخن رود و تمامی اقشار جامعه را از این اعتقاد پویا و حرکت آفرین آگاه نمود. مرحله بعد آن است که به یاری دیگر مستضعفان - خاصه در کشورهای اسلامی - شتافت و آنها را از استضعاف سیاسی و فرهنگی به دنیای آزادی و آگاهی و ایمان هدایت نمود. بدین ترتیب است که با این تلاشگریها و زمینه سازیها و ایجاد پذیرش قیام عدلگستر و جهانی امام مهدی، در میان تمامی خلقهای

[صفحه ۸۵]

جهان، است که حضرت، که خود علت غیبت خویش را ناشایستگی مردم و کردارهای ناپسند و عدم انتظارشان دانسته اند، باذن خدای پرده از رخ بر افکنده و نهضت داد آفرین خود را آغاز می نماید. به امید آن روز در پایان توفیق پیروزی و رهیابی هر چه بیشتر خود را در این اهداف الهی، از خداوند متعال خواستاریم.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW